



سوره حمد  
آیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترجمه: حسین انصاریان

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

تفسیر المیزان: علامه سید محمد حسین طباطبائی

بسیار می شود که مردم، عملی را که می کنند، و یا می خواهند آغاز آن کنند، عمل خود را با نام عزیزی و یا بزرگی آغاز می کنند، تا به این وسیله مبارک و پر اثر شود، و نیز آبرویی و احترامی به خود بگیرد، و یا حداقل باعث شود که هر وقت نام آن عمل و یا یاد آن به میان می آید، به یاد آن عزیز نیز بیفتند.

آغاز با نام خدا ادب و عمل را خدائی و نیک فرجام می کند. این معنا در کلام خدای تعالی نیز جریان یافته، خدای تعالی کلام خود را به نام خود که عزیزترین نام است آغاز کرده، تا آنچه که در کلامش هست مارک او را داشته باشد، و مرتبط با نام او باشد، و نیز ادبی باشد تا بندگان خود را به آن ادب، مودب کند، و بیاموزد تا در اعمال و افعال و گفتارهایش این ادب را رعایت نموده، آن را با نام وی آغاز نموده، مارک وی را به آن بزند، تا عملش خدائی شده، صفات اعمال خدا را داشته باشد، و مقصود اصلی از آن اعمال، خدا و رضای او باشد، و در نتیجه باطل و ناقص و ناتمام نماند.

خواهید پرسید که دلیل قرآنی این معنا چیست؟ در پاسخ می‌گوئیم دلیل آن این است که خدای تعالی در چند جا از کلام خود بیان فرموده: «که آنچه برای رضای او و به خاطر او و به احترام او انجام نشود باطل و بی اثر خواهد بود» و نیز فرموده: «بزودی به یک یک اعمالی که بندگان انجام داده می‌پردازد، و آنچه به احترام او و به خاطر او انجام نداده اند نابود می‌کند، و آنچه به غیر این منظور انجام داده اند، بی اثر و باطل می‌کند»

و نیز فرموده: «هیچ چیزی جز وجه کریم او بقاء ندارد» در نتیجه هر چه به احترام او و وجه کریمش و به خاطر رضای او انجام شود، و به نام او درست شود باقی می‌ماند، چون خود او باقی و فنا ناپذیر است، و هر امری از امور از بقاء، آن مقدار نصیب دارد، که خدا از آن امر نصیب داشته باشد. و نیز این معنا همانست که رسول خدا(ص) فرمود: "هر امری از امور که اهمیتی داشته باشد، اگر به نام خدا آغاز نشود، ناقص و ابتر می‌ماند، و به نتیجه نمی‌رسد" و کلمه(ابتر) به معنای چیز است که آخرش بریده باشد.

رسول خدا(ص) فرمود: "در همین لحظه پیش سوره ای بر من نازل شد، آنگاه شروع کردند به خواندن «بسم الله الرحمن الرحیم»".

از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود: "کلمه «بسم الله الرحمن الرحيم»، جزء سوره فاتحه الكتاب است، و رسول خدا(ص) همواره آنرا میخواند، و آیه اول سوره به حسابش می آورد، و فاتحه الكتاب را سبع المثانی می نامید".

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: "این مردم را چه میشود؟ خدا آنان را بکشد، به بزرگترین آیه از آیات خدا پرداخته و پنداشتند که گفتن آن آیه بدعت است".

و از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: "محترم ترین آیه را از کتاب خدا دزدیدند، و آن آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» است، که بر بنده خدا لازم است در آغاز هر کار آنرا بگوید، چه کار بزرگ، و چه کوچک، تا مبارک شود".

## تفسیر نمونه: آیت الله مکارم شیرازی

از میان تمام موجودات آنکه ازلی و ابدی است تنها ذات پاک خدا است و به همین دلیل باید همه چیز و هر کار را با نام او آغاز کرد و در سایه او قرار داد و از او استمداد نمود لذا در نخستین آیه قرآن می گوئیم: «بسم الله الرحمن الرحیم» این کار نباید تنها از نظر اسم و صورت باشد، بلکه باید از نظر واقعیت و معنی با او پیوند داشته باشد چرا که این ارتباط آن را در مسیر صحیح قرار می دهد و از هر گونه انحراف باز می دارد و به همین دلیل چنین کاری حتما به پایان می رسد و پر برکت است.

امیر مؤمنان علی(ع) می فرماید: "انسان هر کاری را می خواهد انجام دهد باید «بسم الله» بگوید یعنی با نام خدا این عمل را شروع می کنم، و هر عملی که با نام خدا شروع شود خجسته و مبارک است".

و نیز می بینیم امام باقر(ع) می فرماید: "سزاوار است هنگامی که کاری را شروع می کنیم، چه بزرگ باشد چه کوچک، «بسم الله» بگوئیم تا پر برکت و میمون باشد".

به همین مناسبت خداوند بزرگ در نخستین آیات که به پیامبر وحی شد دستور می دهد که در آغاز شروع تبلیغ اسلام این وظیفه خطیر را با نام خدا شروع کند: «اقرأ باسم ربك» و می بینیم.

حضرت نوح(ع) در آن طوفان سخت و عجیب هنگام سوار شدن بر کشتی و حرکت روی امواج کوه پیکر آب که هر لحظه با خطرات فراوانی روبرو بود برای رسیدن به سر منزل مقصود و پیروزی بر مشکلات به یاران خود دستور می دهد که در هنگام حرکت و در موقع توقف کشتی «بسم الله» بگویند و آنها این سفر پر مخاطره را سرانجام با موفقیت و پیروزی پشت سر گذاشتند و با سلامت و برکت از کشتی پیاده شدند و نیز سلیمان در نامه ای که به ملکه سبا می نویسد سر آغاز آن را «بسم الله» قرار می دهد «انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحيم».

گفتن «بسم الله» در آغاز هر کار هم به معنی استعانت جستن به نام خدا است، و هم "شروع کردن به نام او". به هر حال هنگامی که کارها را با تکیه بر قدرت خداوند آغاز می کنیم خداوندی که قدرتش مافوق همه قدرت ها است، سبب می شود که از نظر روانی نیرو و توان بیشتری در خود احساس کنیم، مطمئن تر باشیم، بیشتر کوشش کنیم، از عظمت مشکلات نهراسیم و مایوس نشویم، و ضمناً نیت و عمل مان را پاک تر و خالص تر کنیم.

و این است رمز دیگر پیروزی به هنگام شروع کارها به نام خدا. امام صادق(ع) فرمود: "بسیار می شود که بعضی از شیعیان ما «بسم الله» را در آغاز کارشان ترک می گویند و خداوند آنها را با ناراحتی مواجه می سازد تا بیدار شوند و ضمناً این خطا از نامه اعمال شان شسته شود".



در میان دانشمندان و علماء شیعه اختلافی در این مساله نیست، که «بسم الله» جزء سوره حمد و همه سوره های قرآن است، اصولاً ثبت «بسم الله» در متن قرآن مجید در آغاز همه سوره ها، خود گواه زنده این امر است زیرا می دانیم در متن قرآن چیزی اضافه نوشته نشده است، و ذکر «بسم الله» در آغاز سوره ها از زمان پیامبر(ص) تاکنون معمول بوده است.

مردی از علی(ع) پرسید السبع المثانی چیست؟ فرمود: "سوره حمد است"، عرض کرد سوره حمد شش آیه است فرمود: "بسم الله الرحمن الرحيم» نیز آیه ای از آن است".

فخر رازی می گوید: هیچ مانعی ندارد که «بسم الله» در سوره حمد به تنهایی یک آیه باشد و در سوره های دیگر قرآن جزئی از آیه اول محسوب گردد. (بنابر این مثلاً در سوره کوثر «بسم الله الرحمن الرحيم انا اعطیناک الکوثر» همه یک آیه محسوب می شود).

می گویند: یک روز معاویه در دوران حکومتش در نماز جماعت «بسم الله» را نگفت، بعد از نماز جمعی از مهاجران و انصار فریاد زدند: آیا «بسم الله» را دزدیدی یا فراموش کردی؟

در جمله «بسم الله» نخست با کلمه اسم روبرو می شویم که به معنی بلندی و ارتفاع است، و اینکه به هر نامی اسم گفته می شود به خاطر آنست که مفهوم آن بعد از نامگذاری از مرحله خفا و پنهانی به مرحله بروز و ظهور و ارتفاع می رسد، و یا به خاطر آنست که لفظ با نامگذاری، معنی پیدا می کند و از بی معنی بودن در می آید و علو و ارتفاع می یابد.

به هر حال بعد از کلمه اسم، به کلمه «الله» برخورد می کنیم که جامع ترین نامهای خدا است، زیرا بررسی نامهای خدا که در قرآن مجید و یا سایر منابع اسلامی آمده نشان می دهد که هر کدام از آن یک بخش خاص از صفات خدا را منعکس می سازد، تنها نامی که اشاره به تمام صفات و کمالات الهی، یا به تعبیر دیگر جامع صفات جلال و جمال است همان «الله» می باشد. به همین دلیل اسماء دیگر خداوند غالباً به عنوان صفت برای کلمه «الله» گفته می شود به عنوان نمونه: «غفور» و «رحیم» به جنبه آمرزش خداوند اشاره می کند.

یکی از شواهد روش جامعیت این نام آنست که ابراز ایمان و توحید تنها با جمله «لا اله الا الله» می توان کرد و نیز به همین جهت است که در مذاهب دیگر هنگامی که می خواهند به معبود مسلمین اشاره کنند «الله» را ذکر می کنند، زیرا توصیف خداوند به «الله» مخصوص مسلمانان است.

صفت «رحمان»، اشاره به رحمت عام خدا است که شامل دوست و دشمن، مؤمن و کافر و نیکوکار و بدکار می باشد. ولی «رحیم» اشاره به رحمت خاص پروردگار است که ویژه بندگان مطیع و صالح و فرمانبردار است. «رحمان» در همه جا در قرآن به صورت مطلق آمده است که نشانه عمومیت آنست، در حالی که «رحیم» گاهی به صورت مقید ذکر شده که دلیل بر خصوصیت آن است مانند: «خداوند نسبت به مؤمنان رحیم است» و گاه به صورت مطلق مانند سوره حمد.



در روایتی نیز از امام صادق(ع) می خوانیم که فرمود: "خداوند معبود همه چیز است، نسبت به تمام مخلوقاتش «رحمان»، و نسبت به خصوص مؤمنان «رحیم» است".

از سوئی دیگر «رحمان» را صیغه مبالغه دانسته اند که خود دلیل دیگری بر عمومیت رحمت او است، و «رحیم» را صفت مشبیه که نشانه ثبات و دوام است و این ویژه مؤمنان می باشد.

شاهد دیگر اینکه «رحمان» از اسماء مختص خداوند است و در مورد غیر او به کار نمی رود، در حالی که «رحیم» صفتی است که هم در مورد خدا و هم در مورد بندگان استعمال می شود، چنانکه درباره پیامبر(ص) در قرآن می خوانیم: «ناراحتیهای شما بر پیامبر گران است، و نسبت به هدایت شما سخت علاقمند است، و نسبت به مؤمنان مهربان و رحیم می باشد». در دعای عرفه می خوانیم: "ای خدائی که «رحمان» دنیا و آخرت توئی و «رحیم» دنیا و آخرت نیز توئی!".

پیامبر اکرم(ص) فرمود: "خداوند بزرگ صد باب رحمت دارد که یکی از آن را به زمین نازل کرده است، و در مخلوقاتش تقسیم نموده و تمام عاطفه و محبتی که در میان مردم است از پرتو همان است، ولی نود و نه قسمت را برای خود نگاه داشته و در قیامت بندگان را مشمول آن می سازد".

تمام سوره های قرآن با «بسم الله» شروع می شود(بجز سوره براءت) و در «بسم الله» پس از نام ویژه «الله» تنها روی صفت رحمانیت و رحیمیت او تکیه می شود.

و این سؤال انگیز است که چرا سخنی از بقیه صفات در این موضع حساس به میان نیامده؟

اما با توجه به یک نکته، پاسخ این سؤال روشن می شود و آن اینکه در آغاز هر کار لازم است از صفتی استمداد کنیم که آثارش بر سراسر جهان پرتو افکن است، همه موجودات را فرا گرفته و گرفتاران را در لحظات بحرانی نجات بخشیده است.

بہتر است این حقیقت را از زبان قرآن بشنوید آنجا که می گوید: «رحمت من همه چیز را فرا گرفته است».

و در جای دیگر می خوانیم: «خدایا رحمت خود را بر همه چیز گسترده ای». از سوی دیگر می بینیم پیامبران برای نجات خود از چنگال حوادث سخت و طاقت فرسا و دشمنان خطرناک، دست به دامن رحمت خدا می زدند قوم موسی برای نجات از چنگال فرعونیان می گویند: «خدایا ما را به رحمت خود رهائی بخش».

در مورد هود و پیروانش چنین می خوانم: «هود و پیروانش را به وسیله رحمت خویش (از چنگال دشمنان) رهائی بخشیدیم».

اصولا هنگامی که حاجتی از خدا می طلبیم مناسب است او را با صفاتی که پیوند با آن حاجت دارد توصیف کنیم مثلا عیسی مسیح (ع) به هنگام درخواست مائده آسمانی (غذای مخصوص) چنین می گوید: «بار الها مائدهای از آسمان بر ما نازل گردان... و ما را روزی ده و تو بهترین روزی دهنده گانی».

نوح پیامبر بزرگ خدا نیز این درس را به ما می آموزد، آنجا که برای پیاده شدن از کشتی در یک جایگاه مناسب، چنین دعا کند: «پروردگارا! مرا به طرز مبارکی فرود آر که تو بهترین فرود آورندگان».

زکریا به هنگام درخواست فرزندى از خدا که جانشین و وارث او باشد خدا را با صفت خیر الوارثین توصیف می کند و می گوید: «خداوندا! مرا تنها مگذار که تو بهترین وارثانی».

مؤمنان راستین با گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» در آغاز کارها دل از همه جا بر می کنند و تنها به خدا دل می بندند، و از او استمداد و یاری می طلبند، خداوندی که رحمتش فراگیر است، و هیچ موجودی از آن، بی نصیب نیست.

این درس را نیز از «بسم الله» به خوبی می توان آموخت که اساس کار خداوند بر رحمت است و مجازات جنبه استثنائی دارد که تا عوامل قاطعی برای آن پیدا نشود تحقق نخواهد یافت، چنانکه در دعا می خوانیم: "ای خدائی که رحمتت بر غضبت پیشی گرفته است". انسانها نیز باید در برنامه زندگی چنین باشند، اساس و پایه کار را بر رحمت و محبت قرار دهند و توسل به خشونت را برای مواقع ضرورت بگذارند.

## تفسیر حکیم: حسین انصاریان

سرآغاز این کتاب با عظمت، که جز هدایت بندگان به راه خدا، و درمان دردهای فکری و روحی و روانی آنان، و تأمین خیر و خوشبختی و سعادت دنیا و آخرتشان هدفی ندارد، به نام خدای «رحمان» و «رحیم» است.

شروع کتاب به این صورت، آموزش و تعلیم حکیمانه ای از سوی نازل کننده آن به همه انسانهاست، که هر کار و عملی و هر حرکت و کوششی را به نام او و با یاد او و با بهره گیری از رحمانیت و رحیمیت او آغاز کنند، تا به فرجامی مثبت، و پایانی پر خیر و برکت، و نتیجهای شیرین، و محصولی جاودان و ماندگار برسد. قرائت کننده این آیه شایسته است، از طریق عقل و شعور و آگاهی، و به کار گرفتن هوش و درایت، و توجهی عمیق و نیتی دقیق و قلبی رقیق بکوشد، تا هنگام تلاوت آن که راهنما و نشاندهنده ذات دارنده همه کمالات و متصف به رحمانیت و رحیمیت است، به اندازه گنجایش وجودی اش، و سعه ظرفیتش نمونه ای از کمالات خالقش و رحمانیت و رحیمیت آفریننده اش شود.

حضرت حق انسان را به استعداد دریافت کمالات آراسته نموده، و راه دریافت آن را از طریق وحی به او نشان داده است.

انسان هنگام گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» چون با دقت عقلی و نظری صائب به مفهوم کلمه «الله» و «رحمان» و «رحیم» توجه کند از منیت و انانیت، و از زندان خود طبیعی، و تعلقات شیطانی، و بندهای هلاک کننده مادی که همه و همه زمینه خروج از بندگی و عبودیت است بیرون می رود، و از احساس مالکیت و اختیار استقلالی آزاد می گردد، و در سیطره معبود حق و فرمانهای او قرار می گیرد.

آنجا که گوینده ای در شبانه روز در همه امورش «بسم الله» می گوید، و همه امورش جز به عنوان بندگی خالص از افق وجودش طلوع نمی کند حق جلوه گر است، و آنجا که گوینده ای در همه امورش عادت به «بسم الله» گفتن دارد ولی همه امورش مخلوط به ریا و فساد، و فسق و دیگر رذایل است باطل جولان دارد.

تردیدی نیست هر کاری و هر حرکتی با اتصال به مصداق این کلمات مبارکه: «الله»، «رحمن»، «رحیم» که وجود مقدس حضرت حق است انجام بگیرد، و خلوص و اخلاص در آن رعایت شود عنایات و الطاف و فیوضات و به ویژه رحمانیت و رحیمیت جناب حق برای به نتیجه رسیدن آن رفیق راهش می شود، و از ابتر ماندن و نرسیدن به محصول و ثمر لازم مصون می ماند.

به یقین عمل و حرکتی که از انسان به نام او و به یاد او و برای او انجام می‌گیرد، آن عمل و حرکت در نظام آفرینش نابود و باطل نمی‌گردد، زیرا راهی برای نابودی و بطلان به حریم کاری که متصل به حق است وجود ندارد.

قرآن مجید هر حرکت و عملی که جدای از خدا و بی یاد و نام او و خلاصه برای غیر او صورت گیرد گرچه دارای ظاهری نیک و آراسته باشد نابود و باطل و در مسیر حبط شدن قلمداد می‌کند.

«و ما به بررسی و حسابرسی هر عملی که (به عنوان کار مثبت و عمل خیر برای غیر ما) انجام داده اند می‌پردازیم، پس همه آنها را در عرصه گاه قیامت غباری پراکنده می‌سازیم!». «آنان کسانی هستند که در آخرت نصیب و سهمی جز آتش بر آنان نیست و آنچه در دنیا (از کار نیک و عمل خیر انجام داده اند چون به یاد خدا و برای خدا نبوده) در آخرت تباه و باطل می‌شود».

نهایتا هر نیتی و هر کار و عملی بهره اش از بقاء و ماندگاری به اندازه اتصال آن به خدا، و به مقدار انجامش به نام او و به یاد اوست.

هر کار با قدر و منزلتی، و هر عمل مهمی، و هر حرکت مثبتی که به نام خدا و با یاری گرفتن از او آغاز نشده باشد آن کار بی ثمر و بریده از خیر و برکت، و منقطع از خلود و بقاست.

«الله»: این کلمه مقدسه که از متخصصان ادبیات عرب نقل شده است، معانی و مفاهیم آن عبارت است از: معبود حق، سزاوار پرستش، تحیر و سرگردانی عقول در معرفت ذات او، وجودی که به یادش آرامش می یابند، ذاتی که بصائر و ابصار از درک حضرتش محجوبند، حقیقتی که در همه شئون فوق هر چیزی است، پناهگاه مخلوقات.

«الله» کلمه ای است که دلالت دارد بر ذاتی که مستجمع همه صفات کمالیه است.

«رحمن» به گفته گروهی از اهل لغت، و بسیاری از مفسران قرآن صیغه مبالغه است. از لغت «رحمن»، مهربانی و رحمتی که فراگیر نسبت به کل شیء است استفاده می شود.

رحمانیت حق در خیمه حیات همه انسان ها چه مؤمن و چه کافر چون دیگر موجودات جلوه کامل دارد.

رحمانیت حضرت او اقتضا دارد که نسبت به همه موجودات چه در مرحله افاضه وجود، و چه در عنایت کردن رزق، و فراهم آوردن وسایل و ابزار زندگی تفضل و احسان نماید، و همه امور دنیای آنان را برابر با نیازشان و گاهی بیش از نیازشان تدبیر فرماید.

آری رحمانیت او نسبت به کل شیئی فراگیر، و برای همه موجودات سفره عام است.

«الرَّحْمٰنُ عَلٰی الْعَرْشِ اسْتَوٰی»: [خدای] مهربان بر تخت فرمان روایی و تدبیر امور آفرینش چیره و مسلط است.



«قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا»: بگو آنان که در گمراهی قرار دارند باید خدای مهربان [بر پایه سنت جاری خود] به آنان مهلتی معین دهد.

«الرَّحْمَنُ، عَلَّمَ الْقُرْآنَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»: [خدای] رحمان، قرآن را تعلیم داد، انسان را آفرید، به او بیان آموخت. «يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا»: روزی را یاد کن که پرهیزکاران را به ضیافت و میهمانی خدای رحمان گرد می آوریم.

از این آیات شریفه استفاده می شود که رحمن دلالت بر رحمت عامه دارد و شامل همه موجودات و هر انسانی چه مؤمن و چه کافر است.

در روایت است: "از رحمت اوست که چون نیروی برخاستن و غذا خوردن به هنگام کودکی از کودک گرفته شده است، به جای آن تاب و توان به مادرش داد، و او را به کودکش دلسوز و مهربان آفرید تا به تربیت و پرستاری اش قیام کند و چنانچه دست روزگار مادری از مادران را سنگدل و بی عاطفه پروردید، تربیت و پرستاری طفل ناتوان را بر دیگر مؤمنان واجب نمود." و از آنجا که نیروی تربیت و قیام به مصالح فرزند از شالوده وجود برخی از حیوانات گرفته شده، آن تاب و توان لازم را در خود اولاد و فرزندانشان جایگزین نمود، که در زاد روزش بیای خیزد و به دنبال روزی مقدرش به راه افتد.

در قطعه ای پر مغز آمده است: رحمن وجود پر فیضی است که به آفریده هایش با بخشیدن روزی به آنان و دفع بلاها و آفات از ایشان تمایل شدید دارد، در روزی پرهیزکار از ناحیه پرهیزکاری اش نمی افزاید، و از رزق بدکار از ناحیه بدکاری اش نمی کاهد، بلکه همه را به آنچه اراده کند روزی می دهد.

مهربانی های موجودات به ویژه بشر که گل سرسبد آن، مهر مادر یا پدر است به فرزند خود مهر حقیقی نیست زیرا: اولاً این مهر را خدا در دل آنان انداخته است، بنابراین مهر بالاصاله نیست و بالتبع است، لذا به اندک پیش آمدی هزارها کودک به دست هزارها مادر یا پدر کشته شده اند. ثانیاً در حقیقت این لطف های مادرانه و پدرانه و یا حاکمانه مهر حقیقی نیست بلکه مهر نماست، زیرا هر کدام نسبت به محاسبه فرضی خودشان و ارضاء احساسات درونی شان به فرزند خود یا به دیگری لطفی می کنند و خلاصه حس درونی خودشان را خوشنود می نمایند و سلسله جنبان مهر حقیقی نیستند و فقط مهر حقیقی از خداست و بس.

«الرَّحِيمِ»: بزرگان اهل لغت، و متخصصان تفسیر بر این عقیده اند که لفظ «رحیم» صفت مشبیه است، بنابراین دلالت بر دوام و ثبوت، و عدم انفکاک از ذات دارد، و حقیقتی است که لازمه ذات آن وجود مقدس است.

«رحیم» مانند «رحمن» مشتق از رحمت است، که در مخلوق عبارت از نرمی و نرم خوئی و رقت قلب، و در حضرت خالق به معنای احسان محض است.

در روایت آمده است: "بی تردید رحمت از سوی خدا عطا و بخشش و احسان و فضل است، و از جانب آدمیان رقت قلب و نیکی نمودن است".

مفهوم رحمت رحیمیه چنان که از آیات قرآن مجید و روایات و دعاها و معارف الهیه استفاده می شود مانند مفهوم «رحمن» عام است و اختصاص به مؤمنان تنها در قیامت ندارد.

«عذابم را به هر کس که بخواهم می رسانم و مهر و رحمتم همه چیز را فرا گرفته است».

«یا رحمن الدنيا والآخرة ورحیما»: ای رحمت گر دنیا و آخرت و احسان کننده در هر دو جهان.

«رحمتی تغلب علی غضبی»: وابستگی اراده ام به رساندن رحمت بر بندگانم، بیش از وابستگی اراده ام به ایصال عقوبت به آنان است.

به این نکته بسیار مهم باید توجه داشت که غضب حق که عبارت از عذاب و عقوبت اوست به اعتبار گناه و معصیت بندگان است، اگر معصیتی و فسق و فجوری و عناد و انکاری در کار نبود، یقیناً خشم و غضبی هم که در حقیقت عذاب و عقاب است در میان نبود.

امیرالمومنین(ع) در دعای کمیل می گوید: "پس قاطعانه یقین دارم که اگر فرمانت در به عذاب کشیدن منکران نبود، و دستورت به همیشگی بودن دشمنانت در آتش صادر نمی شد هر آینه سراسر دوزخ را سرد و سلامت می نمودی".

حضرت عسگری(ع) می فرماید: "و از رحمت اوست که صد رحمت جلوه داد، از آن صد رحمت یکی را در همه خلایق و آفریده ها قرار داد، و به سبب آن مردم به یکدیگر مهربان و دلسوزند و مادر به فرزندش مهربان! و به همین خاطر در جهان حیوانات همه ماده ها بر اولادشان گرایش و عطوفت دارند، پس هنگامی که رستاخیز فرا رسد آن یک رحمت را به نود و نه بخش دیگر بیفزاید و با آن به امت بزرگ محمد(ص) احسان نماید، آنگاه درباره کسانی از اهل این ملت که برای ایشان خواهان شفاعت اند شفاعت قبول افتد تا این که فردی نزد مؤمن شیعه آید و گوید شفاعتم کن و او گوید: بر من چه حقی داری که از تو شفاعت نمایم؟ گوید: روزی تو را آب دادم و آنچه را اتفاق افتاده به یادش آورده پس شفاعتش کند و شفاعتش نسبت به او پذیرفته شود. و دیگری می آید و می گوید به راستی بر تو حقی دارم، پس شفاعتم کن می گوید: حق تو بر من چیست؟ پاسخ می دهد ساعتی در روز گرم به سایه دیوارم پناهنده شدی! پس شفاعتش کند و شفاعتش درباره او قبول افتد و همواره شفاعت نماید تا جائی که شفاعت او درباره آشنایان و همنشینان و همسایگانش پذیرفته شود، و بی تردید مؤمن نزد خدا از آنچه گمان برید گرامی تر است".

در آثار اسلامی و معارف الهی آمده است: چون بنده مؤمن را در قبر گذارند، و دهانه قبر را بیوشانند و استوار سازند، و همنشینان و دوستان و دیگر افراد با تنها گذاردن او در قبر بازگردند حضرت حق از روی مهر و رحیمیت و لطف بنده نوازی به او خطاب نماید: «بنده من در این کنج لحد تنها ماندی دوستان و یارانی که به خاطر آنان نسبت به من عصیان می ورزیدی و خوشنودی ایشان را بر خوشنودی من ترجیح می دادی تو را تنها گذاشتند! امروز تو را به رحمت ویژه ای و به فضل و احسان خاصی مورد مهر و لطف قرار دهم که همه خلایق از آن در شگفت آیند. سپس به فرشتگان خطاب آید: ای فرشتگان من این غربیی است بی کس و یار، و جدا افتاده ای است از وطن و دیار، و دور شده ای است از یاران و همنشینان، اکنون در کنج لحد میهمان من است، آنچه در توان شماست به او کرم و احسان آورید و دری از بهشت به رویش بگشائید و قبر او را فراخ و روشن سازید، و انواع گلهای و سفره های روزی نزد او حاضر کنید و پس از آن او را به من واگذارید که به مقتضای تا روز قیامت مونس و همنشین او خواهم بود.»

نماز حقیقتی است که بدون سوره فاتحه الکتاب محقق نمی شود، چنان که از پیامبر اسلام روایت شده است: "نماز محقق نمی شود مگر به قرائت کردن فاتحه الکتاب" و نیز از آن حضرت روایت شده است: "هر نمازی که فاتحه الکتاب در آن خوانده نشود ناقص و از بلندای پذیرش حق ساقط است."

و نیز فرمود: "نمازی که در آن فاتحه الکتاب قرائت نشود کافی از تکلیف و مجزی از مسئولیت نیست".

و سوره ی فاتحه الکتاب بر اساس بیان قرآن مجید و فرقان عظیم مرکب از هفت آیه است: «و لَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ»: و به راستی هفت آیه از مثنای [که سوره ی حمد است] و قرآن بزرگ را به تو عطا نمودیم.

خواندن «بِسْمِ اللَّهِ» در ابتدای سوره فاتحه الکتاب بر اساس فرمان واجب حق در آیه «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» واجب است، و هنگامی که به این صورت وجوبش ثابت است، لازم می آید که آیه ای از سوره ی فاتحه الکتاب باشد.

این قدرت و نیروی معنوی «بِسْمِ اللَّهِ» است که بقیه اجزاء نماز را به حریم حضرت محبوب می کشاند و آن را چنانچه با اخلاص انجام گرفته باشد به قله قبولی می رساند، و شایسته پاداش می نماید.

بنابراین، فرمان و حکم واجب «و نماز را برپا دارید و زکات بپردازید و آنچه از کار نیک برای خود پیش فرستید آن را نزد خدا خواهید یافت». شامل نماز کامل و جامع می شود نمازی که برترین آیه ای که در آن قرائت می شود «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» است، و شامل زکاتی می گردد که مکلف با نیتی صادقانه و قصدی پاک و به نام خدا و به یاد خدا در موارد معینش هزینه کند.

پیش آمدها سبب زدوده شدن گناه از پرونده است.

مصدق عینی این عبارت داستان شگفت آور زیر است:  
عبدالله بن یحیی به محضر مبارک امیرالمومنین(ع) وارد شد، در برابرش یک صندلی بود، حضرت به او فرمان نشستن داد، او هم به روی آن نشست بناگاه صندلی کج شد و عبدالله با سر به زمین آمد، و سرش شکست. امام دستش را بر سرش مالید و زخمش بهبود یافت.

پس از آن حضرت فرمود: "ای عبدالله حمد و ستایش ویژه خداوندی است که پاک کردن گناه شیعیان ما را در دنیا به رنج و محنتشان قرار داده است، تا فرمانبری و طاعت آنان را برای ایشان بی آرایش و سالم نماید و شایسته اجر و ثواب آن شوند".

عبدالله گفت: یا امیرالمومنین آیا به راستی ما جز در دنیا به گناهانمان مجازات نمی شویم، فرمود "آری همین طور است آیا نشنیدی که رسول خدا(ص) فرمود: دنیا زندان مومن است و بهشت کافران.

خدا شیعیان ما را [به خاطر محنت و رنجی که در این دنیا متحمل اند و به خاطر آمرزشی که نصیب آنان فرموده است] حتماً از گناهان پاک و پاکیزه می گرداند، بر این اساس است که می فرماید: «و آنچه از حادثه و پیش آمد به شما می رسد به سبب اعمالی است که مرتکب شده اید و از بسیاری از آن اعمال گذشت می کند».



تا هنگامی که به آستان رستاخیز در آیند، در آنجا طاعات و عباداتشان بر آنها سرشار شود، و دشمنان محمد(ص) و نیز دشمنان و بدخواهان ما را بنا به فرمانبری و طاعتی که از آنان سر می زند در دنیا پاداش و جزا می دهد اگر چه طاعتشان بی وزن و بی ارزش است، چون خلوصی همراهش نیست، تا هنگامی که به آستان رستاخیز در آیند گناه و کینه آنان [که از محمد و یاران خوبش در دل داشتند] بر آنان باز گردد و به خاطر آن در آتش افکنده شوند!

و هر آینه شنیدم محمد(ص) می فرمود:

در زمان گذشته دو نفر بودند یکی از آنان مطیع و مؤمن به خدا بود و دیگری کافر که آشکارا به دشمنی دوستان خدا و به دوستی دشمنانش می پرداخت و برای هر یک فرمانروایی عظیمی در گوشه ای از زمین بود.

آن کافر که دشمن خدا بود بیمار شد، و در غیر وقتش هوس ماهی کرد، زیرا آن نوع ماهی در آن هنگام چنان به گرداب ها جا گرفته بود که به دست آوردنش امکان نداشت بنابراین پزشکان او را از زندگی و ادامه حیاتش ناامید کرد و گفتند: جانشین و قائم مقام خود را معین کن که تو از اهل گورستان پاینده تر نیستی، همانا شفایت و درمان بیماری ات در این ماهی است که به آن میل و اشتها داری و بر آن نیز راهی نیست.

در این هنگام خدا فرشته ای برانگیخت و به او فرمان داد که آن ماهی را از جایش بر انگیزد و به طرفی سوق دهد که به دست آوردنش آسان گردد، در نهایت ماهی را برایش گرفتند و او آن را خورد و از بیماری بهبودی یافت و در حکومتش سال های سال پس از آن بر جای ماند. سپس تقدیر حق چنین واقع شد که آن پادشاه مؤمن بیمار شد همانند بیماری آن کافر، در زمانی که جنس آن ماهی از سواحل و کنار دریا که به دست آوردنش آسان بود به سوی دیگر نمی رفت، نهایتاً آن پادشاه مؤمن هوس آن ماهی را کرد و پزشکان برایش توصیف کردند و گفتند:

آسوده خاطر باش، اکنون وقت آن است که از آن ماهی برایت صید کنند و از آن بخوری و از بیماری رهائی یابی.

در این هنگام خدا آن فرشته را برانگیخت و به او فرمان داد که جنس آن ماهی را از سواحل و کرانه ها به گرداب ها براند، تا دسترسی به آنها ممکن نشود، در نتیجه آن ماهی به دست نیامد تا آن مؤمن در آرزو و هوس آن ماهی و بهبود نیافتنش از بیماری جان به جان آفرین تسلیم کرد، و از این جریان فرشتگان آسمان و اهل آن سامان به شگفتی فرو رفتند تا آنجا که نزدیک بود در فتنه و آزمایش افتند، چون خدای متعال (از روی احسان و حکمتش) بر آن کافر آنچه را که بر آن راهی نبود آسان گردانید و بر آن مؤمن آنچه را که به آسانی بر آن راه بود غیر ممکن ساخت!

آنگاه خدا به فرشتگان آسمان و پیامبر آن زمان به وحی خویش فرمود: بی تردید منم خدای کریم، احسان کننده، توانا، آنچه عطا کنم زیانم نرساند، و آنچه باز دارم از من نکاهد و به اندازه ی ذره ای به کسی ستم نکنم.

اما کافر، از این که به دست آوردن ماهی را در غیر زمانش برای او آسان نمودم، جهتش فقط این بود که پاداش کار نیکی باشد که او انجام داده بود [چون بر عهده من است که از هیچ کس حسنه ای را از بین نبرم] تا به رستاخیز در آید و هیچ حسنه ای در نامه عملش نباشد و به کفر خویش وارد آتش شود.

و بنده فرمانبر خود را از آن ماهی باز داشتیم به سبب خطائی که از او سر زده بود، و با منع و ردّ آن میل و هوس و از بین بردن آن دارو، پاک شدنش را اراده کردم و خواستم که به آستان من در آید و جرم و گناهی در پرونده اش نباشد و پاک و پاکیزه وارد بهشت شود!"

در این هنگام عبدالله بن یحیی گفت: یا امیرالمومنین به حقیقت بال و پرم دادی و به من حقایقی آموختی پس اگر مصلحت بدانی گناهم را که در اینجا به آن امتحان شدم به من بنمایان تا هم چنان تکرارش نکنم.

فرمود: "لحظه ای که روی صندلی نشستی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» نگفتی نتیجه این شد که به خاطر نسیان و سهوت از آنچه به آن دعوت شدی [که در ابتدای هر کارت «بِسْمِ اللَّهِ» بگو] خدا به این پیش آمد زمینه پاک شدن از گناه(ترک نام و یاد خدا) را برایت قرار داد.

آیا ندانستی که رسول خدا(ص) از جانب خدای عزوجل فرمود: هر اقدام قابل توجه که در آن یادی از «بسم الله» نشود ناقص و بریده از خیر است! گفتیم: آری، پس از این ترکش نمی کنم فرمود: "در این صورت از آن بهره مند و سعادتمندی".

خدای مهربان همه حقایق و علوم که در قرآن است، و به ویژه اسرار بسیار پیچیده ای که در این گنجینه عرشی است، و رموز پنهانی که در این خزینه دانش ملکوتی است که آنها را بر احدی از بندگانش پیش از پیامبر اسلام آشکار نساخت در آسمان قلب محمد هم چون خورشیدی پرفروغ طلوع داد، و به همین خاطر در جای جای از قرآنش او را به عنوان معلم قرآن معرفی نمود. «يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ».

خدای عزیز نه تنها همه حقایق و علوم و اسرار و رموز قرآنی را به عنوان برترین نعمت معنوی به پیامبرش ارزانی داشت، بلکه دانش غیب یعنی دانش آنچه بوده و آنچه خواهد بود و آگاهی به باطن مُلک و ملکوت را نیز به آن حضرت به خاطر شایستگی و لیاقتش و سعه ی وجودی اش و نورانیت و طهارت باطنی اش عطا فرمود: «او دانای غیب است و هیچ کس را بر غیبش آگاه نمی کند مگر رسولی را که [برای آگاه شدن از غیب] انتخاب کرده است».

آری صفا و نورانیت به ویژه طهارت فکری و قلبی و روحی پیامبر بزرگوار اسلام اقتضا کرد که به توفیق حضرت حق جامع همه علوم قرآنی و اسرار و رموز ملکوتی و به ویژه علم غیب شود.

روایات بسیار مهمی از قول حضرت نقل شده که در آن روایات از حوادث پس از خودش تا قیامت خبر داده، و به ویژه در پاره ای از آن روایات به ریز حوادث اشاره نموده و از مجموعه آن روایات تعبیر به اخبار غیبی شده، نشانگر قطعی این حقیقت است که حضرت از جانب خدا آگاه به غیب بوده است.

در این بخش به نمونه ای اندک از غیب گوئی های رسول اکرم اشاره می کنم، تا بر یقین شما به آگاه بودن آن حضرت از غیب افزوده گردد:

"ای ابوذر تو در آینده تنها زندگی خواهی کرد، و تنها و غریب خواهی مرد، و تنها وارد بهشت خواهی شد، خوشبختی و سعادت به خاطر تو نصیب گروهی از اهل عراق خواهد شد که دست اندر کار غسل و کفن و تجهیز تو گردند!"

آیا این پیش گوئی پیامبر با تبعید ابوذر به وسیله حکومت زمانش به بیابان خشک و سوزان ربه، و مرگ او در غربت و تنهائی به سبب گرسنگی و تشنگی و تجهیزش به دست کاروانی از عراق که از مکه به مدینه می رفت به وقوع نپیوست؟

"یا علی پس از من زندگی ات ادامه پیدا می کند و به امتم مبتلا می شوی و قیامت در پیشگاه حق با آنان به محاکمه برمی خیزی، برای آن روز جواب آماده کن. گفتم: این فتنه ای که امت به آن دچار می شوند برایم بیان کن و این که بر چه چیزی با آنان به جهاد برخیزم؟ فرمود: پس از من با ناکثین و قاسطین و مارقین [بیعت شکنان، روی گردانان از حق، بیرون روندگان از دین] جنگ خواهی کرد.

سپس نام فرد فرد آنان را به من گفت".

آیا این غیب گوئی پیامبر با جنگی که طلحه و زبیر در بصره و معاویه در صفین و خوارج در نهروان به امیرالمؤمنین تحمیل کردند به وقوع نپیوست؟!

"آن روزگار هنگامی است که حکمرانان آلوده و پلید باشند، قاریان به سازش با بدکاران برخیزند، دانشمندان در گردونه نفاق قرار گیرند، امتم منجمان یاهو گو را تصدیق نمایند، و تقدیرات حکیمانه حق را تکذیب کنند، در آن زمان دروغ را مهارت، خیانت در هر امانت را غنیمت، زکات را تاوان و غرامت، و گناهان و زشتی را مباح دانند، و عبادت را باری سنگین شمرده، و با منت نهادن بر مردم انجام دهند، در آن زمان خدا فتنه جانگاهی را بر آنان مسلط می کند که در فضای آن فتنه سرگردان و متحیر شوند چنان که قوم یهود در بیابان تیه سرگردان شدند".

آیا این زمان که همه این اموری که در روایت بیان شده گریبان بیش از نود درصد از مردم را گرفته مصداق پیش گوئی پیامبر بزرگ اسلام نیست؟!

امیرالمؤمنین(ع) اول فردی از اهل بیت است که در علوم گوناگون به ویژه تبیین و تفسیر قرآن که خود دریائی بی نهایت از علم و دانش و اسرار و رموز و معارف و حقایق است سخن گفت و او پس از پیامبر بر پایه دانشی که از حضرت رسالت پناه به ارث برد، در آیات قرآن و تاویل و تفسیرش از همه تا قیامت داناتر و آگاه تر است.

ابوطفیل گفته: دیدم علی ضمن سخنرانی می گوید: "از من هر چه بخواهید از کتاب خدا بپرسید و الله قسم آیه ای نیست مگر این که من دانانترم شب نازل شده یا روز، در هامون یا کوه؟! و اگر می خواستم هفتاد شتر از تفسیر فاتحه الکتاب بار می کردم!".

با توجه به دانش و بینش سرشار امیرالمؤمنین(ع) است که ابن عباس می گوید: حضرتش از ابتدای شب تا پایان آن برای من تفسیر فاتحه الکتاب می گفت، هنوز از تفسیر بَاء «بِسْمِ اللَّهِ» نگذشته بود و پس از آن فرمود: "من آن نقطه ام که زیر بَاء «بِسْمِ اللَّهِ» است".

حضرت امیرالمؤمنین(ع) در خطبه شفشقیه فرموده: "دانش و علم از همه جوانب وجود من سیل وار سرازیر می گردد" و به دیگر عبارت امام(ع) قرآن ناطق است که با معرفت کاملش به ظاهر و باطن همه آیات بیان گر حقایق و معانی و مفاهیم و رموز و اسرار کتاب، و با به کارگیری آیاتش قرآن عینی و انسانی با همه وجود هم سو و هماهنگ با کتاب خداست.

**برکات مفهوم الله، رحمان، رحیم:**

سالکان مسلک حق، و عارفان کشور معرفت، و راه یافتگان به وادی حقیقت گفته اند: انسان دارای قلب و نفس و روح است، قلب را تمنای معرفت و آگاهی و ایمان است، نفس را هوای رزق احسان است، و روح را داعیه رحمت و رضوان.



هر یک از قلب و نفس و روح بوسیله اسمی از این اسما در صورت اتصال عملی به مفاهیم این حقایق خط و نصیب ویژه خود را می یابند، دل از توجه به مسمای لفظ الله که ذات مستجمع جمیع صفات کمال است معرفت و ایمان به دست آورد، و نفس با بکار گرفتن مهر و رحمت که شعاعی از رحمانیت است به رزق و احسان حضرت رحمان رسد، و روح با اثر گرفتن از رحیمیت حق که جلوه تاملش، قرآن و رسالت و ولایت است غرقه روح و ریحان شود.

صاحب تفسیر فاتحه الکتاب که از دانشمندان بعد از عصر فیض کاشانی است از مفاتیح الغیب نقل می کند که: راه های ورود و سوسه های شیطان در باطن انسان سه راه است: هوا، غضب، شهوت.

هوا نشأ ظهور کفر و بدعت است، غضب سبب پدید آمدن کبر و خودپسندی است، شهوت علت بروز حرص و بخل است. بی تردید فرد و خانواده و جامعه اگر آلوده به هوا پرستی، و خوی خشم و درندگی، و شهوت بی مهار باشد، در همه جوانب و شئون زندگی دچار فسق و فجور و گناه و معصیت، و حق کشی و ظلم و ستم، و پستی و بی بند و باری، و هرزگی و تجاوز، و رذالت و زورگوئی می گردد.

حضرت حق که از هر کسی به انسان مهربان تر است، و جز خیر و سعادت و سلامت و خوشبختی انسان را نمی خواهد این سه نام مقدس را تعلیم انسان داد، تا با معرفت به مفهوم هر سه نام، و اتصال به حقیقت هر سه اسم راه های ورودی و سوسه شیطان و عوامل انحراف و گمراهی بسته شود، و آدمی را از حرکت در وادی ضلالت و انحراف باز دارد.

ارباب سلوک گفته اند: نام مبارک «رحیم» را در ایمن شدن از آفات، خصوصاً از خشم حاکمان و اهل کینه و عدوان خاصیتی عجیب است.

آورده اند که بشر حافی در بدایت جوانی، رندی بود پرده حیا از پیش برداشته، و به شوخ چشمی و بی باکی رایت فاسقی و ناپاکی برافراشته، پیوسته مسکن او در خرابات و مصاحب خراباتیان بودی و اسباب فساد مهیا ساختی، هر شام در پرده ظلام جان معصیت به کام رسانیدی، و هر صباح از چنگ خمیده قامت، نوای حی علی الصبوح شنیدی. روزی افتان و خیزان چنان که عادت مستان و طریق هواپرستان باشد، در کوچه ای می گذشت، ناگاه در میان راه کاغذ پاره ای دید افتاده و «بسم الله الرحمن الرحیم» بر آن نوشته، نفس بی ادب چشم احترام فرو بسته خواست که بگذرد، ناگاه پاسبان قصر دل که مدد توفیق ربانی است نهیب بر او زد که ای بشر، دلیری بسیار کرده ای، خدای خود را بی شمار رنجانده ای، راه صلح گشاده دار و بیش از این بر دل تیره پرده غفلت مگذار.

ای غافل از نام دوست برگزشتن ناجوانمردی تمام، و با اسماء الهی بی حرمتی کردن در مذهب مردی و مروت حرام. این نکته در دل بشر اثر کرد، دست برد و آن کاغذ را از خاک برداشته، بوسید و بر دیده مالید و با مقداری عطر، مطیب و خوشبو گرانید در موضعی پاک نهاد و سپس روی به خرابات آورده در گوشه مصطبه مأوی گرفت و مشغول عمل خود گردید، لطف ازلی حسن معامله او را پسندیده، توفیق را رفیق او گردانید تا آن که به دست موسی بن جعفر(ع) توبه نمود. داستان توبه اش چنین است: که آن حضرت از پیش خانه بشر گذشت و آواز ساز و غلغله دف شنید، کنیزکی را به در خانه دید، از آن کنیزک پرسید "صاحب تو آزاد است یا بنده؟" کنیزک گفت: آزاد، آن سرور فرمود: "راست گفתי اگر بنده بود بندگی می کرد و گستاخی نمی کرد! و از خدای تعالی اندیشه می کرد"، سپس از آنجا گذشت، کنیزک به درون خانه رفت و گفتگوئی که میان او و حضرت شده بود برای ارباب خود بشر بازگو کرد، بشر با شنیدن گفتار امام از خواب غفلت بیدار شد و با پای برهنه از خانه بیرون دوید و با شتاب تمام دنبال آن حضرت روان شد، تا به محضر آن مربی حقیقی و هدایت گر واقعی رسید، خود را در پای مبارک حضرت انداخت و بر دست همایون او رایت ندامت و توبه برافراخت، و همواره پای برهنه بود تا به عالم بقا رخت کشید! بشر به خاطر حرمت نهادن به اسم حضرت حق محتشم و محترم هر دو سرای شد و دبدبه عزت و طنطنه حشمتش در افواه و السنه افتاد.

بنده مؤمن که پیوسته به دل و جان و به عمل و اخلاق این نام  
و مفهومش، و این اسم و معنایش را برمی دارد و به عطر  
اخلاص معطر می گرداند و در درج دل محفوظ می دارد بنگر  
که از سوی صاحب اسم که رحمانیت و رحیمیتش ظاهر و باطن  
هستی را فرا گرفته چه روح راحتی و چه بشارت و کرامتی  
یابد!؟

## تفسیر مجمع البیان: فضل بن حسن طبرسی

همه پیروان مذهب خاندان وحی و رسالت براین باورند که «بسم الله الرحمن الرحيم» یک آیه از سوره مبارکه حمد و هر سوره دیگری است؛ از این رو اگر کسی در نماز خویش آن را نخواند، نمازش باطل است؛ خواه نماز واجب باشد یا مستحب. و نیز در نمازهایی که سوره حمد را باید بلند خواند، بلند خواندن «بسم الله الرحمن الرحيم» نیز لازم است.

پیامبر گرامی(ص) فرمود: "هنگامی که کودک به دستور آموزگار خود، «بسم الله الرحمن الرحيم» را بر زبان می‌راند، خداوند برای او و پدر و مادر و آموزگارش، سند بیزاری و رهایی از آتش دوزخ را می‌نویسد".

ابن مسعود در این مورد می‌گوید: همه برآنند که خداوند آنها را از شعله های سرکش آتش های نوزده گانه دوزخ رهایی بخشد؛ پس «بسم الله الرحمن الرحيم» را بسیار بخوانند که آن نیز نوزده حرف است و خداوند هر حرفی از آن را سپر یک شعله آتش دوزخ قرار می‌دهد.

در معنای «بسم الله»، سه بیان آمده است:

۱. به معنای کمک خواستن از خدا؛ و به همین منظور، نام بلند او آورده می‌شود.

۲. به معنای یاری جستن از ذات بی همتای او.

۳. به معنای مصدری، معنایش این است که: قرائت خود را با نام بردن از خدا آغاز می‌کنم.

این نظر بهتر است؛ چرا که ما موظفیم کارهای خود را با نام پرشکوه خدا آغاز کنیم، نه اینکه از شکوه و عظمت او گزارش دهیم؛ همانگونه که دستور داده شده است در شروع خوردن و آشامیدن و سربریدن حیوان و دیگر امور، نام بلند او برده شود و اگر جز این باشد، بویژه به هنگام سربریدن حیوان، بی گمان مخالفت با دستور است.

واژه مقدّس «الله»، نام خداست؛ و خدا همان آفریدگار بی همتایی است که به دلیل آفریدگاری اش، شایسته پرستش است.

تفسیر مخزن العرفان: بانو سیده نصرت امین اصفهانی

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»: استعانت میجویم بنام خداوندی که جامع تمام صفات کمال و منزّه و مبرا از جمیع نقایص امکانی است و رحمت واسعه خداوندیش تمامی موجودات را احاطه نموده و جمیع موجودات در دنیا مشمول رحمت رحمانی اویند، و رحمت رحیمی خود را در آخرت مخصوص به مؤمنین و اهل تقوی گردانیده. خداوند ابتدا نمود کلام خود را با «الله» زیرا بقاء و ثباتی برای چیزی تصور ندارد مگر بوجهه الکریم.

روایت از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است، که "تمام اسرار خداوند در کتب آسمانی است، و آنچه در کتب آسمانی است مندرج در قرآن است، و آنچه در قرآن است مندرج گردیده در سوره فاتحه، و آنچه در سوره فاتحه مندرج گردیده در «بسم الله» است، و آنچه در «بسم الله» است مندرج در باء «بسم الله» است، و من آن نقطه باء «بسم الله» میباشم".

در اینکه اسم اعظم چیست بین علماء و دانشمندان گفتاری است کسی گوید ذو الجلال و الاکرام است دیگری گفته الحی القيوم است و هر یک شاهدهی از حدیث نبوی آورده‌اند، دیگری گفته تمام اسماء الهی اسم اعظم است.

علمای کلام گویند «الله» علم و اسم است برای ذات واجب الوجود و باقی اسماء الله اوصاف و صفت آن ذات یگانه‌اند و شاهد بر آن این است که در زمان جاهلیت اعراب خدا را «الله» می‌گفتند و خداوند به رسولش خبر میدهد.



کلام آنها را «و اگر سؤال کنی از کفار چه کسی خلقت نموده آسمانها و زمین را و مسخر نموده خورشید و ماه را هر آینه البته گویند خدا» و اسم ذات شریف ترین اسماء الله است زیرا که تمام صفات مندرج در ذات است و نیز این کلمه دوازده هزار و پانصد و شصت جای قرآن گفته شده همین دلیل بر شرافت این اسم مبارک است.

از جناب پیغمبر اسلام(ص) چنین نقل میکنند که "اسم اعظم در این دو آیه مندرج است «وَاللَّهُمَّ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»: اله و خدای شما یکی است و نیست الهی مگر او رحم کننده و مهربان است. و در اول سوره آل عمران «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ»: خدایی است که نیست الهی مگر او که زنده و پاینده است." آنچه بنظر میرسد این است که اسم اعظم مشترک بین این دو آیه یکی اله است و دیگری هو پس بنا بر این حدیث اسم اعظم «اللَّهُ» است که مأخوذ است از(اله) یا(هو) که اشاره به آن موجودی است که غایب از حواس است و در روایتی به حضرت سجاد(ع) نسبت میدهند که "از خدا خواستم اسم اعظم را به من تعلیم کند در خواب به من نمودند که بگو: «اللَّهُمَّ اِنِّي اسئلك باسمك يا الله يا الله يا الله يا الله يا الله الذي لا اله الا هو رب العرش العظيم»".

امیر المؤمنین علی(ع) فرمود: "خضر نبی را در خواب دیدم و به او گفتم به من بیاموز چیزی که به دشمنان ظفر یابم فرمود یا علی بگو: یا هو یا من لا هو الا هو.

چون به سمع همایون حضرت رسالت رسانیدم فرمود یا علی این اسم اعظم بوده که بتو آموخته و در روز بدر همیشه این کلام را مکرر میکردم تا آنکه ظفر یافتم."

از پیغمبر اکرم(ص) روایت می کنند که : "در شب معراج تمام درجات و مراتب بهشت را به من نمودند دیدم در آن چهار نهر جاری بود: آب، شیر، خمر، عسل، از جبرئیل پرسیدم این نهرها از کجا می آید و به کجا می رود پاسخ داد که همه آنها به حوض کوثر میریزد ولی منشأ جریان آنها را نمیدانم، پس از آنکه از خدا طلب نمودم به من بنماید محل جریان آنها را، ملکی نازل شد و به من سلام نمود و گفت یا محمد(ص) چشم خود را بر هم گذار چشم خود را بر هم گذاردم پس از آن چشم خود را باز نمودم دیدم درختی و قبه ای از در بیضاء و آن قبه دری داشت از یاقوت احمر و قفلی به آن در بود که اگر جن و انس جمع میشدند و روی آن می نشستند مثل طائری بودند که بالای کوهی نشسته باشد دیدم آن نهرهای چهار گانه از زیر آن قبه جاری است وقتی خواستم از آنجا بر گردم ملک به من گفت چرا داخل قبه نمی شوی گفتم چطور داخل شوم در صورتی که قفل بر آن نهاده، ملک گفت کلید آن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» است آن گاه دیدم نهرها از چهار طرف قبه جریان دارد و بر چهار طرف قبه نوشته شده «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» دیدم نهر آب جاری است از میم، «بِسْمِ اللَّهِ»، و نهر شیر از هاء «اللَّهُ»، و نهر خمر از میم «رحمن»، و نهر عسل از میم «رحیم» پس دانستم که منشأ جریان آنها «بِسْمِ اللَّهِ» است.

پس از آن مصدر جلال خداوندی خطاب شد یا محمد(ص) هر  
کس از امت تو مرا به این اسم یاد کند با قلبی که از ریا خالی  
باشد وی را از این آبها سیراب میگردانم".  
از امام جعفر صادق(ع) چنین اخبار مینماید که «بِسْمِ اللَّهِ»،  
نزدیکتر است با اسم اعظم از سیاهی چشم به سفیدی آن".

## تفسیر جوامع الجامع: فضل بن حسن طبرسی

از ابن عباس نقل شده که گفته است: هر کس «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را هنگام خواندن سوره های قرآن ترک کند چنان است که یک صد و چهارده آیه آن کتاب خدا را ترک کرده است. «اللَّهُ» به معنای کسی است که شایسته پرستش است و این شایستگی به خاطر قدرت و توانایی او بر ایجاد نعمتهاست [یعنی قدرت او اساس هر نعمتی است] بنا بر این لفظ «اللَّهُ» اسم چنین معبودی است و جز بر معبود حقیقی اطلاق نمی شود. «رحمن» و «رحیم» هر دو مشتق از رحم است و در «الرَّحْمَنِ» مبالغه ای است که در «الرَّحِيمِ» نیست. از این رو گفته شده است: «رحمن» یعنی رحمت عام خدا شامل حال تمام خلق می شود و «رحیم» یعنی رحمت خاص پروردگار ویژه مؤمنان است.

## تفسیر روایی البرهان: هاشم بن سلیمان بحرانی

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که ایشان فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» سزاوارترین کلامی است که به آوای بلند خوانده شده است و این همان آیه ای است که خداوند عز و جل در باره اش فرمود: «و چون در قرآن، پروردگار خود را به یگانگی یاد کنی با نفرت پشت می کنند».

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که ایشان فرمود: "هر گاه کسی به امامت گروهی ایستد، شیطان به نزد شیطانی دیگر که نزدیک امام ایستاده می آید و می پرسد: آیا نام خدا را به زبان آورد؟ یعنی آیا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را خواند؟ اگر بگوید آری، او از امام دور می شود و اگر بگوید نه، او بر گردن امام سوار می شود و پاهایش را بر سینه اش می آویزد و این گونه شیطان پیشاپیش آن گروه به امامت می ایستد تا نمازشان را به پایان رسانند".

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که ایشان فرمود: "هر که «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بخواند، خداوند متعال برای هر حرف از آن چهار هزار پاداش برایش بنویسد و چهار هزار بدی را از او بزدايد و چهار هزار مقام، برایش بالا ببرد".

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از تفسیر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» پرسیده شد؛ ایشان فرمود: "باء، بهاء و روشنایی خداوند و سین، سناء و شکوه خداوند و میم، ملک و فرمانروایی اوست و «الله»، معبود همه چیزهاست.

او بر تمامی آفریدگان خود رحمان و بخشنده و بر مؤمنان به طور خاص رحیم و مهربان است".

از هشام بن حکم روایت شده است که وی گفت از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در باره اسم های خداوند و ریشه های آنها پرسیدم: «الله» از چه مشتق شده است؟ حضرت فرمود: "ای هشام! الله از إله مشتق شده است و إله، معبود بودن را اقتضا می کند و نام، غیر از صاحب نام است. پس هر کس نام را بدون معنا بپرستد، کفر ورزیده است؛ و هر کس نام و معنا را بپرستد، شرک ورزیده و دو چیز را پرستیده است؛ و هر که معنا را و نه اسم را بپرستد، این توحید است. ای هشام! فهمیدی؟" عرض کردم: برایم بیشتر گویند. فرمود: "خداوند نود و نه اسم دارد، اگر هر نامی، همان صاحب نام باشد، باید هر کدام از اسم ها، معبودی باشد. ولی خداوند، خود، معناست که این نام ها بر او دلالت کنند و همه غیر از خود او باشند. ای هشام! نان، اسمی است برای خوردنی و آب، اسمی است برای آشامیدنی و لباس، اسمی است برای پوشیدنی و آتش، اسمی است برای سوزاندگی؛ ای هشام! آیا چنان فهمیدی که با آن به دفاع پردازی و در مبارزه با دشمنان خداوند که همراه خداوند چیز دیگری می پرستند، پیروز شوی؟" عرض کردم: بله. فرمود: "ای هشام! خداوند تو را به این جهت سود بخشد و استوار دارد". هشام گوید: به خدا سوگند از زمانی که از آن مجلس برخاستم تاکنون هیچ کس در مبحث توحید بر من چیره نشده است.

## تفسیر هدایت: محمدتقی مدرسی

به وسیله چه چیز می اندیشیم و تصمیم می گیریم و به کار برمی خیزیم؟ آیا جز به نیروها و به کارمایه ها است؟ چه کسی مالک این نیروها است و با این کارمایه ها به ما مدد می رساند؟ آیا او خدا نیست؟ بنابراین هر نیرویی که به آن می اندیشیم یا تصمیم می گیریم یا به کار برمی خیزیم، نشانه و آیه ای از آیات خدا و نامی از نامهای نیکوی است، و بر ما واجب است که بگوییم: به نام خدا پیش از هر موج اندیشه و درخشش اندیشه و جنبش عمل. او خدایی است که ما را آفریده و راهنمایی کرده، پس هر چیز را به نام او آغاز می کنیم، چه در حقیقت هر چیز نامی از نامها و آیتی از آیات بزرگ او است.

و نامهای خدا همه مظاهر بخشندهگی او است، و بخشندهگی او گسترده و پایدار است. و از رحمت فراگیری که بر همه چیز گسترده می شود به لفظ «الرحمن» تعبیر می کنیم، به همان گونه که از رحمت دایمی او که همیشه بوده و همیشه خواهد بود، با لفظ «الرحیم» یاد می کنیم، و زود باشد که رحمت دایمی خدا در روز دیگر به صورت باغهای پر وسعتی تجسم پیدا کند که به مؤمنان اختصاص دارد. و اما در دنیا رحمت خدا به همهٔ بندگان از مؤمن و کافر می رسد، و می بایستی که در هر کار بزرگ و کوچک بندگی را به او اختصاص دهیم و تنها از او مدد خواهیم.

## تفسیر اطیب البیان: سید عبدالحسین طیب

از امیر المؤمنین علیه السلام از پیغمبر(ص) روایت میکند که می فرماید: "اُمّت من در روز قیامت می آیند در حالی که «بسم الله الرحمن الرحیم» میگویند پس وقتی که اعمال آنان در میزان نهاده میشود حسنات شان می چربد".

برای آیه «بسم الله الرحمن الرحیم» خواص بسیاری در اخبار ذکر شده که به پاره از آنها ذیلا اشاره میشود:

۱- طرد شیطان، گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم» در موقع غذا خوردن موجب طرد شیطان میشود.

۲- دفع مضارّ طعام، از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود: "ضامن شده ام برای کسی که اسم خدا را بر طعام ببرد اینکه مریض و مبتلا نشود".

۳- دفع دشمن، از حضرت صادق روایت کرده که فرمود: "رسول خدا(ص) هر گاه داخل منزل میشد و قریش علیه او اجتماع کرده بودند «بسم الله الرحمن الرحیم» را آشکارا می گفت و صدای خود را به آن بلند مینمود قریش گریزان رو برمیگردانند".

۴- «بسم الله» در نماز موجب طرد شیطان میشود.

۵- از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود: "بدرستی که خداوند می فرماید من سزاوارتر کسی هستم که از او سؤال و درخواست شود و شایسته ترین کسی هستم که بسوی او تضرّع و انابت شود پس نزد آغاز هر کار کوچک و بزرگی بگوئید «بسم الله الرحمن الرحیم»، یعنی طلب یاری میکنم".



۶- در هر گرفتاری موجب وصول به مقصد است چنانچه از پیغمبر(ص) روایت شده که فرمود: "هر که را محزون کند کاری که مشغول به آنست پس بگوید «بسم الله الرحمن الرحيم» و حال آنکه نسبت بخدا اخلاص داشته باشد و بدل متوجه به او شود، از یکی از دو چیز منفک نشود، یا رسیدن به حاجتش در دنیا و یا اینکه مهیا و ذخیره میشود برای او نزد پروردگارش و آنچه نزد خداست برای مؤمنین بهتر و پایدارتر است".

۷- موجب حفظ از بلاست: از حضرت باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: "اول هر کتابی که از آسمان نازل شد «بسم الله الرحمن الرحيم» بود پس هر گاه «بسم الله» را قرائت کردی باکی نیست از اینکه استعاذه نکنی پس هر گاه «بسم الله» را قرائت کنی مانع میشود ترا از بلیاتی که بین آسمان و در زمین است".

۸- در موقع دخول در خانه موجب فرار شیطان و نزول برکت میشود از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود: "هر گاه یکی از شما بدر اطاقش رسید و خدا را نام برد پس بدرستی که شیطان میگریزد و هر گاه داخل خانه اش شود خدا را نام برد تا محل نزول برکت و انس ملائکه شود".

۹- در ابتدای وضوء موجب طهارت همه بدن میگردد چنانچه حضرت رسول(ص) میفرماید: "هر که در اول وضویش «بسم الله» گوید همه بدنش طاهر باشد و کسی که «بسم الله» نگوید بدنش طاهر نباشد مگر آن مقداری که آب رسیده است".

از برای خداوند اسم های بسیار است چنانچه میفرماید: "بگو  
الله را بخوانید یا رحمن را بخوانید، هر کدام را بخوانید، برای  
خدا است اسم های نیکو".

در بعض اخبار هزار و یک اسم و در برخی دیگر سیصد و شصت  
اسم برای خدا ذکر شده و در قرآن مجید هفتاد اسم مذکور  
است، و همه اسماء الهیه از سه قسم بیرون نیست:

قسمت اول اسماء صفات است که دلالت بر وجود صفت کمالی  
یا سلب نقصی دارد مانند: «علیم» و «قدیر».

قسمت دوم اسماء افعال است که بر صدور فعلی از خداوند  
دلالت دارد مانند: «رحمن» و «رحیم» و «خالق» و «رازق» و  
امثال اینها.

قسمت سوم اسماء ذات است و آنها سه اسم است:

«هو» که بر مقام عیب الغیوبی ذات دلالت دارد که محال است  
ممکن به آن پی برد «حق» که بر وجوب وجود دلالت دارد یعنی  
ذاتش واجب الوجود و وجود صرف و صرف وجود است و فرض  
عدم بر او محال است.

«الله» که علم است برای ذاتی که مستجمع جمیع کمالات و  
منزه از همه عیوب و نواقص باشد و لذا اینکه اسم مختص به  
ذات مقدّس اوست.

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: "کسی که  
ده مرتبه بگوید یا «الله» باو گفته شود لبیک حاجت تو  
چیست!"

تفسیر مجدالبیان: محمدحسین بن محمدباقر اصفهانی

در حدیث مولای متقیان علی علیه السلام آمده تذکر این نکته است که هر جایی فعل خاصی تقدیر می گردد که «بسم الله» بدان منظور گفته می شود، برای مثال: مسافر؛ هنگام فرود آمدن و بار بستن می گوید: بسم الله و البرکات، یعنی: به نام خدا فرود می آیم و حرکت می کنم و برکت می جویم.

حضرت امام باقر علیه السلام فرموده است: "«الله»؛ معنایش آن معبودی است که آفریدگان از پی بردن به ماهیت او حیران و از فراگیری چگونگی او سرگردان مانده اند".

## تفسیر روض الجنان و روح الجنان: ابوالفتوح رازی

در خبر است که: در قیامت خدای تعالی را چندان رحمت باشد که ابلیس نیز طمع دارد و اگر چه هرگز رحمت خدای تعالی بدان ملعون نرسد.

## تفسیر روان جاوید: محمد ثقفی تهرانی

حضرت امیر المؤمنین(ع) فرمود: "او است خداوندی که ملتجی میشود باو هر مخلوقی در وقت حاجت و شدت که منقطع شده باشد امید او از هر کسی جز او و قطع شده باشد اسباب از هر کس که سوای او است میگوید «بسم الله» یعنی کمک میجویم در تمام امورم از خداوندی که سزاوار نیست بندگی مگر برای او، آن خداوندی که دادخواه است چون از او دادخواهی کنند و اجابت کننده است وقتی که او را بخوانند".

از امیر المؤمنین(ع) نقل شده که فرمود: "«الله» اسم اعظم الهی است: زیرا دلالت بر تمام اسماء و صفات الهی دارد و سایر اسماء هر یک اشاره به مرتبه از مراتب وجود او است".

حضرت سجاد(ع) در اول خطبه شام فرمود: "خداوند به ما علم و حلم و فصاحت و شجاعت و سماحت عطا فرمود و محبت ما را در دل های اهل ایمان جای داد".

## تفسیر لاهیجی: شریف لاهیجی

از حقوق قرآنی آنست که وقتی قدم در حرم قرآن می نهیم ابتدا استعاذه نمایم تا از وسوسه شیطان ایمن باشیم، [اعوذ بالله] پناه میگیرم به خدای یکتای بی‌همتا [من الشیطان] از شر وسوسه دیو سرکش [الرجیم] رانده شده از روضه جنان.

## تفسیر اثنی عشری: حسینی شاه عبدالعظیمی

از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده که در معنی «بسم الله» فرمود: "استعانت جویم بر تمام امور به خدائی که سزاوار پرستش نیست مگر ذات او؛ فریادرسی که هرگاه اغاثه شود و اجابت کننده‌ای که هرگاه خوانده شود".

این همان مطلبی است که شخصی از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمود که: مرا دلالت نما بر خدا، چیست او. پس به تحقیق زیاد شده است مجادله، مجادله کنندگان و مرا متحیر ساختند؟ حضرت فرمود: "ای بنده خدا، آیا کشتی هرگز سوار شده‌ای؟ عرض کرد: بلی. فرمود: آیا کشتی‌ات شکسته شده زمانی که کشتی دیگر برای نجات نباشد و شناوری هم نباشد تا تو را رهائی دهد؟" عرض کرد: بلی. فرمود: "آیا تعلق دارد قلب تو در آن زمان به اینکه شیئی قادر باشد بر اینکه تو را از ورطه هلاکت خلاص کند؟" عرض کرد: بلی. فرمود: "همان شیء «الله» قادر است بر نجات دادن وقتی که نجات دهنده‌ای نباشد و قادر است بر فریادرسی زمانی که فریادرسی نباشد".

روزی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم به قبرستان گذر کرد و نزدیک قبری رسید، اصحاب را فرمود: به تعجیل بگذرید. ایشان به عجله گذشتند. در مراجعت چون به آنجا رسیدند، خواستند عجله کنند، حضرت نهی فرمود.

سبب را پرسیدند، فرمود: "وقت رفتن شخصی را عذاب می‌کردند و من طاقت فریاد او را نداشتم؛ حال خدا بر او رحمت فرمود".

جهت را سؤال نمودند، فرمود: "مردی فاسق به سبب معصیت تا این ساعت معذب بود؛ طفلی از او باقی، او را به مکتب، و معلم او را تعلیم «بسم الله» و کودک به زبان جاری کرد، خطاب رسید: عذاب را از او بردارید".

منقول است که قیصر روم را در دسری عارض، اطبا از معالجه آن عاجز شدند، نامه‌ای خدمت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام برای رفعش عرضه داشت؛ حضرت طاقیه‌ای را فرستاد تا به سر نهاد، فوراً شفا یافت. آن را شکافته «بسم الله» دید، دانست شفای او به این کلمه مبارکه حاصل شده فی الحال مسلمان شد.



تفسیر منهج الصادقین: ملا فتح‌الله کاشانی

از رسول(ص) روایتست که فرمود: "امت مرا در روز قیامت بموقف حساب بدارند و اعمال ایشان را در میزان درآرند حسنات ایشان بر سیئات راجح آید.

امم سالفه گویند که امت محمّد را با وجود قلة عمل چرا کفه حسنات ایشان راجح آمد پیغمبران ایشان گویند بجهت آنکه ابتدای کلام ایشان سه نام بوده از نامهای الهی که اگر همان سه نام در کفه نهند و سایر حسنات و سیئات بنی آدم را در کفه دیگر آن سه نام راجح آید و آن سه نام «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» است".

## تفسیر تسنیم: آیت الله جوادی آملی

«الله»: برترین نام از نامهای ذات مقدسی است که هستی صرف و جامع و مبداء همه کمالات وجودی و منزّه از هر نقصی است و چون آن ذات اقدس جامع همه اسمای حسنی و صفات نیکوست، گفته می شود: «الله» اسم ذاتی است که جامع همه کمالات است و گرنه اشتغال بر کمالات در معنای این کلمه ماء خود نیست.

«الرحمن و الرحیم»: دو صفت از صفات علیای خدای سبحان است که از رحمت مشتق شده است. «رحمان» صیغه مبالغه است و بر کثرت دلالت می کند و «رحیم» صفت مشبّه است و ثبات و بقا را افاده می کند.

فرهنگهای لغت برای رحمت معانی فراوانی مانند: رقت، رافت، لطف، رفق، عطوفت، حب، شفقت و دلسوزی ذکر کرده اند؛ در حالی که اولاً: اینها مراحل پیشین رحمت است، نه خود آن؛ زیرا با مشاهده صحنه های رقت آور، ابتدا در قلب انسان رقت، لطف، عطوفت، دلسوزی، محبت، شفقت و رافت و سپس رحمت پدید می آید. ثانیاً: آنچه گفته شد، ویژگی مصداقی از مصداقی رحمت است که در آدمی حادث می گردد، اما رحمتی که به ذات اقدس خداوند اسناد داده می شود، منزّه از هر گونه انفعال و تاثر است؛ چنانکه امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: "خداوند رحیمی است که به وقت موصوف نمی شود". بنابراین، معنای جامع رحمت، همان اعطا و افاضه برای رفع حاجت نیازمندان است.

## اشتراک لفظی و تغایر معنوی:

آیه کریمه «بسم الله الرحمن الرحيم» که سر فصل ۱۱۳ سوره قرآن کریم است و در سوره مبارکه نمل افزون بر آغاز سوره، طلیعه نامه حضرت سلیمان (علیه السلام) به ملکه سبأ نیز آمده است، ۱۱۴ بار نازل شده است، نه این که یک بار نازل شده باشد و به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سر فصل سور قرآنی قرار گرفته باشد.

در عصر نزول وحی، فرود آمدن آیه کریمه «بسم الله الرحمن الرحيم» به عنوان اولین آیه سوره جدید، نشانه پایان پذیرفتن سوره پیشین و آغاز نزول سوره پس از آن بود.

نزول مکرر آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» نشانه اختلاف معنا و تفسیر آن در هر سوره است. آیات «بسم الله الرحمن الرحيم» در سراسر قرآن کریم گرچه از نظر لفظی یکسان است، لیکن از نظر معنوی و تفسیری گوناگون و در نتیجه مشترک لفظی است.

برخی از مفسران گفته اند: سوره مبارکه حمد جامع همه معارف قرآن کریم است و معارف این سوره نیز در آیه کریمه «بسم الله الرحمن الرحيم» و معارف «بسم الله» در حرف باء آن جمع شده است و حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقطه بای «بسم الله» است.

بعضی از مفسران این سخن را نامعقول و نوعی غلو دانسته اند و برخی نیز اشتغال بای «بسم الله» بر معارف قرآن را همانند جای گرفتن نظام کیانی با زمین و آسمان خود، در پوست تخم مرغ بدون بزرگ شدن تخم مرغ یا کوچک شدن کیان پنداشته اند.

در پاسخ این مفسران باید گفت: قرآن کریم جامع همه حقایق و اسرار عالم است؛ اما این معارف گسترده تنها از ظواهر آن استفاده نمی شود، بلکه مستفاد از خواص حروف یا بطون قرآن کریم است که تنها در دسترس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و عترت طاهرین (علیهم السلام) است. سخن حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز که فرمود: "علم آینده و حدیث گذشته در قرآن است و من سخنگوی قرآنم". اشارتی به همین واقعیت است.

خدای سبحان برای قرآن کریم که تنها تنزیل و ظاهرش در دسترس ماست، کتاب دیگر و مقام مکنونی بیان می دارد: «انه لقرآن کریم فی کتاب مکنون لا یمسه الا المطهرون». پس این کتاب در کتابی دیگر است و قرآن در ظواهر آن خلاصه نمی شود.

راه فهم این گونه معارف روایی باز و شواهد آن نیز آشکار است و آنان که توفیق فهم چنین اسرار و حقایقی را نیافته اند، نباید به آن پردازند، بلکه باید علمش را به اهلش واگذارند تا به ورطه انکار نیفتند.

اما داستان قرار گرفتن زمین در پوست تخم مرغ، چون سؤال کنندگان از قدرت خدا بر چنین کاری، در یک سطح نبودند، پاسخهایی که به آنان داده شده مختلف است: در یک پاسخ، حضرت امام رضا(علیه السلام) می فرماید: "خداوند آسمان و زمین را در ظرفی کوچکتر از تخم مرغ جای می دهد و آن هنگامی است که تو با گشودن چشم خود آسمان و زمین را مشاهده می کنی."

این گونه پاسخها تنها برای متوسطان از انسانها نافع است. در پاسخی دیگر، حضرت امیرالمؤمنین(علیه السلام) می فرماید: "خدا عاجز نیست، اما آنچه تو پرسیدی ناممکن است."

قدرت بی کران خدای سبحان به هر چیز(کل شیء) تعلق می گیرد: «ان الله على كل شیء قدير»، اما محالات و ممتنعات شیء نیست تا قدرت خدا به آنها تعلق گیرد.

نقد سخن منقول از حضرت امیرالمؤمنین(علیه السلام) به این که خط رایج عصر نزول، خط کوفی بود و خط مزبور فاقد نقطه است، چنین پاسخ داده می شود که بر فرض پذیرش هر دو مقدمه یاد شده و قبول آن که به دست خود حضرت علی(علیه السلام) اعجام و اعراب حاصل نشد، بالاخره برای امتیاز حروف از یکدیگر علامتهای ویژه ای وجود داشت تا مثلاً(خر) را از(جر) امتیاز دهد و برای حرف باء نیز علامت ویژه ای بود که آن نشانه مخصوص در حدیث مزبور بر فرض صحت آن، مراد بوده است.

## تفسیر ادبی انصاری: خواجه عبدالله انصاری

دنیا بنام خدا خوش است و عقبی به عفو او و بهشت به دیدار او، در دنیا گر نه پیغام و نام خدا بودی، بنده را چه جای منزل بودی، و در عقبی اگر نه عفو و کرمش بودی، کار بنده مشکل بودی، در بهشت اگر نه دیدار دل افروز او بودی شادی درویش به چه بودی؟ خدایا به نشان تو بیندگانیم، به شناخت تو زندگانیم، به نام تو آبادانیم، به یاد تو شادانیم، به یافت تو نازانیم، مست از جام مهر تو مائیم، صید عشق در دام تو مائیم. حضرت رضا(ع) فرمود: "وقتی بنده «بسم الله» می‌گوید یعنی خداوندا داغ دارم و بدان شادم"، اما از بود خود بفریادم، کریم بود مرا از پیش من بر گیر که بود تو راست کند همه کارم. خدایا بود تو چراغ معرفت بیفروخت پس روشنی دل من افزونی است، گواهی تو ترجمانی من کرد پس نداء من افزونی است، نزدیکی تو چراغ وجد من بیفروخت پس همت من افزونی است. اراده تو کار من بساخت پس جهد من افزونی است، خداوندا، از بود خود چه دیدم؟ مگر بلا و عناد، و از بود تو چه رسیدم؟ همه عطا و وفا!.

آغاز کتاب خدا بر نام «الله» و «رحمن» و «رحیم» از آن جهت است که همه معانی در آن سه نام جمع است و آن معانی سه قسم است: قسمی جلال و هیبت و آن در نام «الله» است، قسمی نعمت و تربیت و آن در نام «رحمن» است، قسمی رحمت و مغفیریت و آن در نام «رحیم» است!

معنی دیگر آنست که در آن زمان که خداوند پیغمبر را به خلق فرستاد مردم سه گروه بودند: بت پرستان، جهودان، ترسایان، گروه نخست نام آفریننده را الله می‌دانستند و این نام در میان آنان مشهور بود، گروه دوم نام او را رحمن می‌دانستند و در تورات مذکور، گروه سوم نام او را رحیم می‌دانستند و نزد آنان در انجیل معروف است.

اینکه آغاز به نام «الله» و بعد «رحمن» و سپس «رحیم» شده، جهت آن است که سرآغاز همه، آفرینش است و بعد قدرت و پرورش و سپس رحمت و آمرزش، یعنی که به قدرت بیافریدم و به نعمت پروریدم و به رحمت بیامرزیدم! خداوندا نام تو ما را جواز، مهر تو ما را جهاز، شناخت تو ما را امان، و لطف تو ما را عیان. خداوندا، ضعیفان را پناهی، قاصدان را بر راهی و مؤمنان را گواهی، چه عزیز است آن کس را که تو خواهی؟!.

## تفسیر راهنما: اکبر هاشمی رفسنجانی

۱ - قرآن، کتابی تحقق یافته و نشأت گرفته از اسم «الله» است.

«بسم الله» در آغاز قرآن را به دو گونه می توان لحاظ کرد:

الف - سخنی باشد که خداوند آن را برای تعلیم به مردم بیان کرده است. در این لحاظ «بسم الله» دستوری به مردم است که چگونه کارهای خویش را آغاز کنند.

ب - خداوند خود گوینده این سخن باشد. در این صورت «بسم الله» در آغاز قرآن اشاره به آن است که خداوند قرآن را با اسم «الله» تحقق بخشیده و به ظهور رسانده است؛ یعنی، قرآن مظهر اسم «الله» است.

۲ - قرآن، کتابی است آغاز شده با نام خدا و همراه با اعلام رحمت بر بندگان.

۳ - لزوم آغاز کردن کارها با نام خدا و گفتن «بسم الله».

از آنجا که قرآن کتاب هدایت است و سخن خویش را با «بسم الله» آغاز کرده این نکته را به مخاطبانش القا می کند که کارهای خود را با «بسم الله» شروع کنند.

۴ - خداوند، «رحمان» (دارای رحمتی گسترده) و «رحیم» (مهربان) است.

۵ - همه موجودات و مخلوقات، بهره مند از رحمت گسترده الهی هستند.

کلمه «رحمان» صیغه مبالغه است و دلالت بر شدت رحمت و گستردگی آن دارد.

۶ - خداوند به بندگان خویش مهربان است.



در این که چرا دو صفت رحمانیت و رحیمیت در پی یکدیگر آمده اند - در حالی که هر دو حکایت از رحمت الهی دارند - چند نظر ابراز شده است. آنچه از کاربرد آن دو صفت در قرآن به دست می آید این است که رحمانیت در رابطه با همه مخلوقات است و رحیمیت تنها در ارتباط با انسان و دیگر مکلفان می باشد. بنابراین رحیمیت خدا به رحمت ویژه الهی به انسانها و سایر مکلفان اشاره دارد.

۷- توصیف «الله» به «رحمان» و «رحیم» پس از اشاره به لزوم انجام کارها با نام خدا، گویای حکمت این دستور است؛ یعنی، چون خدا «رحمان» و «رحیم» است، کارها را با نام او آغاز کنید.

۸ - انجام کارها با نام خدا، مایه جلب رحمت اوست. توصیه به انجام دادن کارها با نام خدا و تذکر به رحمانیت و رحیمیت او به عنوان حکمت این توصیه، گویای این است که نام خدا در کارها، موجب جلب رحمت الهی و در نتیجه به کمال رسیدن آن کارهاست.

۹ - قرآن جلوه ای از رحمانیت و رحیمیت خداست. از آنجا که غالباً گوینده در آغاز سخن به اهداف کلی برنامه خویش اشاره می کند، می توان گفت که از اهداف انتخاب دو صفت رحمانیت و رحیمیت خدا در آغاز قرآن، رساندن این حقیقت است که قرآن جلوه ای از رحمت الهی برای بشر است. ۱۰- «بای» «بسم الله»، نشانگر خوبی و حسن خداوند و «سین» اشاره به رفعت او و «میم» اشاره به مجد و عظمت اوست.

«الله» معبود همه چیز است و «رحمان» نظر به رحمت او در  
باره همه عالم و «رحیم» نظر به رحمت او فقط درباره مؤمنان  
دارد.

تفسیر نور: محسن قرائتی

نکته ها:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» سر آغاز کتاب الهی است. «بِسْمِ اللَّهِ» نه تنها در ابتدای قرآن، بلکه در آغاز تمام کتابهای آسمانی بوده است. در سر لوحه‌ی کار و عمل همه‌ی انبیا «بِسْمِ اللَّهِ» قرار داشت. وقتی کشتی حضرت نوح در میان امواج طوفان به راه افتاد، نوح علیه السلام به یاران خود گفت: سوار شوید که «بِسْمِ اللَّهِ مجراها و مرساها» یعنی حرکت و توقف این کشتی با نام خداست. حضرت سلیمان علیه السلام نیز وقتی ملکه سبا را به ایمان فراخواند، دعوتنامه خود را با جمله‌ی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آغاز نمود.

حضرت علی علیه السلام فرمود: "«بِسْمِ اللَّهِ»، مایه برکت کارها و ترک آن موجب نافرجامی است". همچنین آن حضرت به شخصی که جمله‌ی «بِسْمِ اللَّهِ» را می‌نوشت، فرمود: "«جَوِّدْهَا» آنرا نیکو بنویس".

بر زبان آوردن «بِسْمِ اللَّهِ» در شروع هر کاری سفارش شده است؛ در خوردن و خوابیدن و نوشتن، سوار شدن بر مرکب و مسافرت و بسیاری کارهای دیگر. حتی اگر حیوانی بدون نام خدا ذبح شود، مصرف گوشت آن حرام است و این رمز آن است که خوراک انسان‌های هدف‌دار و موحد نیز باید جهت الهی داشته باشد.

در حدیث می‌خوانیم: «بِسْمِ اللَّهِ» را فراموش نکن، حتی در نوشتن یک بیت شعر. و روایاتی در پاداش کسی که اولین بار «بِسْمِ اللَّهِ» را به کودک یاد بدهد، وارد شده است.

سیمای بسم الله:

۱. «بِسْمِ اللَّهِ» نشانگر رنگ و صبغهی الهی و بیانگر جهت‌گیری توحیدی ماست.

۲. «بِسْمِ اللَّهِ» رمز توحید است و ذکر نام دیگران به جای آن رمز کفر، و قرین کردن نام خدا با نام دیگران، نشانه‌ی شرک. نه در کنار نام خدا، نام دیگری را ببریم و نه به جای نام او.

۳. «بِسْمِ اللَّهِ» رمز بقا و دوام است. زیرا هرچه رنگ خدایی نداشته باشد، فانی است.

۴. «بِسْمِ اللَّهِ» رمز عشق به خدا و توکل به اوست. به کسی که رحمان و رحیم است عشق می‌ورزیم و کارمان را با توکل به او آغاز می‌کنیم، که بردن نام او سبب جلب رحمت است.

۵. «بِسْمِ اللَّهِ» رمز خروج از تکبر و اظهار عجز به درگاه الهی است.

۶. «بِسْمِ اللَّهِ» گام اول در مسیر بندگی و عبودیت است.

۷. «بِسْمِ اللَّهِ» مایه فرار شیطان است. کسی که خدا را همراه داشت، شیطان در او مؤثر نمی‌افتد.

۸. «بِسْمِ اللَّهِ» عامل قداست یافتن کارها و بیمه کردن آنهاست.

۹. «بِسْمِ اللَّهِ» ذکر خداست، یعنی خدایا! من تو را فراموش نکرده‌ام.

۱۰. «بِسْمِ اللَّهِ» بیانگر انگیزه ماست، یعنی خدایا هدفم تو هستی نه مردم، نه طاغوت‌ها و نه جلوه‌ها و نه هوس‌ها.

پیام‌ها:

۱- «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در آغاز سوره، رمز آن است که مطالب سوره، از مبدأ حَقِّ و مظهر رحمت نازل شده است.

۲- «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در آغاز کتاب آسمانی، یعنی هدایت تنها با استعانت از او محقق می‌شود.

۳- «بِسْمِ اللَّهِ» کلامی که سخن خداوند با مردم و سخن مردم با خدا، با آن شروع می‌شود.

۴- رحمت الهی همچون ذات او ابدی و همیشگی است.

۵- بیان رحمت الهی در قالب‌های گوناگون، نشانه‌ی اصرار بر رحمت است.

۶- شاید آوردن کلمه «رحمان» و «رحیم» در آغاز کتاب، نشانه این باشد که قرآن جلوه‌ای از رحمت الهی است، همان گونه که اصل آفرینش و بعثت جلوه لطف و رحمت اوست.

سوره‌ی حمد که نام دیگرش فاتحة الكتاب است، هفت آیه دارد و تنها سوره‌ای است که بر هر مسلمانی واجب است روزانه ده بار آن را در نمازهای شبانه روزی بخواند و در صورت ترک عمدی نماز او باطل است.

تفسیر مهر: محمدعلی رضایی اصفهانی

پیام‌ها:

۱. پیام «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در آغاز سوره‌ها آن است که جهت‌گیری سوره‌های قرآن، توحیدی و جلوه‌گر رحمت اوست.
۲. سخن و کار خویش را با نام خدا شروع کنید و از او کمک بگیرید.
۳. در آغاز هر کار به یاد مهر و لطف حق باشید.

## تفسیر عترت: علی اصغر میری

امام صادق (ع): "درهای معصیت را با استعاذه ببندید و درهای اطاعت را با گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» باز نمایید."  
امام صادق (ع): "هیچ کتابی از آسمان نازل نشده جز آنکه در سرآغازش «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بوده است."

یکی از اصحاب پیغمبر اسلام (ص) گفت: یک روز با رسول اکرم (ص) قدم می زدیم که در بین راه دیدیم دو نفر دارند به هم ناسزا می گویند. حضرت (ص) فرمود: "اگر یکی از آنها استعاذه بگوید، این حالت شیطانی از آنها دور می شود."

در آغاز هر سوره به جز سوره توبه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آمده و در متن سوره نمل نیز «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ذکر شده است بنابراین قرآن کریم ۱۱۴ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» دارد. و چون خدای تعالی در سوره هود می فرماید: «ازْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا» بنابراین عبارت «بِسْمِ اللَّهِ»، ۱۱۵ بار در قرآن کریم ذکر شده است.

آیه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» اولین چیزی است که در لوح محفوظ نوشته شد. و اولین آیه ای است که به حضرت آدم (ع) نازل شد.

حضرت علی (ع): "وقتی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بر پیامبر اکرم (ص) نازل شد، آن حضرت فرمود: اولین بار که این آیه بر حضرت آدم (ع) نازل شد فرمود: تا زمانی که فرزندان من این آیه را قرائت کنند از عذاب الهی در امان خواهند بود."

در کتاب حکایت و حکمت، از پیامبر اکرم (ص): "در بهشت شهری است به نام مدینه الرحمه، که بی نهایت زیباست، هر که به آن رسید از زحمت رَشْتُ و به رحمت پیوست. در آن شهر خانه ای است به نام بیت الجلال، که درهای بسیار دارد و کلید درهای آن «بسم الله الرحمن الرحيم» است. چون بنده ی مؤمن «بسم الله» را با صدق و اخلاص بر زبان راند درها باز شود و از سوی خداوند ندا شود که ملک این خانه و ولایت این شهر را به تو سپردیم".



## پایگاه اطلاع رسانی حوزه نت

امام خمینی (ره): سوره حمد که در قرآن هست و اولین سوره است و برای نماز قرار دادند و نماز بدون حمد، گفتند نماز نیست، همین سوره حمد تمام معارف درش هست؛ منتها آن کسی که نکته سنج باشد، باید درش تامل کند. اگر برای اهلش- آنهایی که اهل مسائل هستند- همین یک سوره قرآن تحقق پیدا بکند، تمام مشکلات حل می شود؛ برای اینکه وقتی انسان دید که همه چیز از اوست، دیگر از هیچ قدرتی نمی ترسد. وقتی مشغول مطالعه است، غرق در مطالعه است، وقتی مشغول نماز است، پیش نماز نیست. یکی از دوستان ما بود- خدا رحمتش کند- می گفت که: یادم نیست بگذار بایستم نماز، یادم بیاید. کانه انسان وقتی وارد می شود به نماز، توی نماز نیست، اصلاً به خدا توجه ندارد، قلبش آنجا نیست، قلبش جای دیگر است؛ شاید فکر این باشد که مساله علمی را حل کند. این علمی که مقدمه برای رسیدن به مقصود است، انسان را از مقصود بازدارد.

به اسم اینکه قرآن باید خواند، دیگر دعا و حدیث باید کنار برود و قرآن بیاید، دعا و حدیث را اگر استثنا کنیم، قرآن هم رفته است. آنهایی که قرآن را می خواهند بیاورند میدان و حدیث را کنار بزنند، آنها قرآن هم نمی توانند به میدان بیاورند. تربیت جامعه به همین چیزهاست، به همین ادعیه است، به همین اموری است که از پیغمبر و از خدا وارد شده است: «بگو اگر دعایتان نباشد، پروردگار من اعتنایی به شما ندارد».

اگر قرآن را هم می خواهد، قرآن دارد از دعا تعریف می کند، مردم را وادار به دعا می کند «که اعتنا به شما نداشتیم اگر دعا نبود». پس، این ها قرآن را هم قبول ندارند. آنکه می گوید ما دعا را نمی خواهیم، قرآن را هم نمی خواهد؛ یعنی قرآن را قبول ندارد. «ادْعُونِي اسْتَجِبْ لَكُمْ»؛ مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.

بسیاری وقتها انسان عقلاً یک چیزی را ادراک می کند، لکن چون باورش نیامده، تبعیت نمی کند؛ آن وقتی که باورش بیاید، تبعیت می کند.

عمده این است که ما نمی شناسیم، نه خودمان را می شناسیم، نه خدایمان را می شناسیم، نه ایمان به خودمان داریم، نه ایمان به خدا داریم، نه باورمان آمده است که خودمان چیزی نیستیم و نه باورمان آمده است که همه چیز اوست. وقتی این باور در کار نبود، هر چه برهان بر آن اقامه بشود فایده ندارد، باز هم آن انانیت نفسی در کار هست.

اگر انسان باورش بیاید که همه حمدها مال اوست، همین یک کلمه اگر باور آمد، تمام شرکها از قلب انسان می ریزد.

## کتابخانه دیجیتال قائمیه

شهید مطهری رحمه الله: انسان که احساس فطری از خدا دارد و او را به عنوان یک موجود قَدّوس و منبع خیرات می‌شناسد، وقتی کارش را به نام او نامید، معنایش این است که در سایه‌ی قدس و شرافت و کرامت او این عمل نیز مقدس می‌گردد. و می‌خواهد عملش را با انتساب به او برکت بخشد؛ لذا کارها را به نام هیچ کس، حتی نام پیغمبر، نمی‌توان آغاز کرد و این است معنای تسبیح نام الله.

آنچه از خدا به عالم می‌رسد دو گونه نیست: خیر و شر؛ بلکه آنچه از او می‌رسد جمله نیکو و رحمت است و این رحمت شامل جماد و نبات و حیوان و انسان به تمام اقسامش می‌گردد؛ چون اصولاً فاتحه و گشایش هستی با رحمت حق است.

معانی، اعراب و تحلیل صرفی کلمات: برگرفته از کتب قرآنی

معانی کلمات

بِسْمِ: به نام

اللَّهِ: خداوند

الرَّحْمَنِ: بخشنده

الرَّحِيمِ: مهربان.

اعراب و تحلیل صرفی

﴿ ب ﴾ حرف جر

﴿ سَمِ ﴾ اسم جامد غیر مصدری، مفرد، مذکر؛ ریشه: **وسم**

﴿ اللّٰه ﴾ اسم علم، مفرد، مذکر؛ ریشه: **اله**

﴿ ال ﴾ حرف تعریف

﴿ رَحْمٰنِ ﴾ اسم، ثلاثی مجرد، صفت مشبّهه، مفرد، مذکر؛ ریشه:

**رحم**

﴿ ال ﴾ حرف تعریف

﴿ رَحِيْمِ ﴾ اسم، ثلاثی مجرد، صیغه مبالغه، مفرد، مذکر؛ ریشه:

**رحم**

معانی لغات و ترجمه آیه به انگلیسی: برگرفته از صفحات وب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

In the name of God, the Gracious, the Merciful.

in ðə neɪm ʌv gɑd, ðə greɪʃəs, ðə mɜrsɪfəl

به نام خداوند بخشنده مهربان

In/in/	به
the/ ðə/	حرف تعریف
name/neɪm/	نام
of/ʌv/	علامت کسره
God/gɑd/	خداوند
Gracious/greɪʃəl/	بخشنده
Merciful/mɜrsɪfəl/	مهربان

شمارش حروف و کلمات قرآن: ابراهیم صدیقی

شمارش حروف و کلمات آیه ۱ سوره حمد

شمارش کلی کلمات:

رسم الخط عثمان طه ﴿ بِسْمِ ﴾ تعداد = ۱۱۵؛ رسم الخط ساده

﴿ بِسْمِ ﴾ تعداد = ۱۱۵

رسم الخط عثمان طه ﴿ اَللّٰه ﴾ تعداد = ۲۲۶۵؛ رسم الخط ساده

﴿ اَللّٰه ﴾ تعداد = ۲۲۶۷

رسم الخط عثمان طه ﴿ الرَّحْمٰن ﴾ تعداد = ۱۵۷؛ رسم الخط

ساده ﴿ الرَّحْمٰن ﴾ تعداد = ۱۵۷

رسم الخط عثمان طه ﴿ الرَّحِيْم ﴾ تعداد = ۱۴۶؛ رسم الخط ساده

﴿ الرَّحِيْم ﴾ تعداد = ۱۴۶

جزئیات شمارش حروف و کلمات:

الف - رسم الخط عثمانی طه

بِسْمِ اَللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

این آیه ۴ کلمه و ۱۹ حرف دارد.

۱- تعداد تکرار کلمات اصلی

«بسم الله الرحمن الرحيم» ۱۱۴ بار تکرار شده است

«الرحمن الرحيم» ۱۱۸ بار تکرار شده است

«بسم الله» ۱۱۵ بار تکرار شده است

«بسم» ۱۱۵ بار تکرار شده است

«الله» ۲۲۶۵ بار تکرار شده است

«الرحمن» ۱۵۷ بار تکرار شده است

«الرحيم» ۱۴۶ بار تکرار شده است

## ۲- تعداد تکرار شامل کلمه اصلی

تعداد تکرار «بسم» در کلمات قرآن ۱۱۷ بار

(«بسم» ۱۱۵ بار، «فتبسم» ۱ بار، «بسمعهم» ۱ بار)

تعداد تکرار «الله» در کلمات قرآن ۲۶۶۹ بار

(«الله» ۲۲۶۵ بار، «ءالله» ۲ بار، «والله» ۲۴۰ بار، «بالله» ۱۳۹

بار، «تالله» ۸ بار، «فالله» ۶ بار، «اللهم» ۵ بار، «اللهو» ۱ بار،

«اللهب» ۱ بار، «ابالله» ۱ بار، «وتالله» ۱ بار)

تعداد تکرار «الرحمن» در کلمات قرآن ۱۶۰ بار

(«الرحمن» ۱۵۷ بار، «بالرحمن» ۳ بار)

ب - رسم الخط نیریزی:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«الله» ۲۲۶۷ بار تکرار شده است

تعداد تکرار «الله» در کلمات قرآن ۲۶۶۹ بار

خلاصه تفسیر آیه ۱ سوره حمد برگرفته از تفسیر بیکران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده و مهربان.

رسول خدا(ص) "هر امری از امور که اهمیتی داشته باشد، اگر به نام خدا آغاز نشود، ناقص و ابتر می ماند، و به نتیجه نمی رسد"

امیر مؤمنان علی(ع) "انسان هر کاری را می خواهد انجام دهد باید بسم الله بگوید یعنی با نام خدا این عمل را شروع می کنم، و هر عملی که با نام خدا شروع شود خجسته و مبارک است".  
امام باقر(ع) "سزاوار است هنگامی که کاری را شروع می کنیم، چه بزرگ باشد چه کوچک، بسم الله بگوئیم تا پر برکت و میمون باشد".

امام صادق(ع) "بسیار می شود که بعضی از شیعیان ما بسم الله را در آغاز کارشان ترک می گویند و خداوند آنها را با ناراحتی مواجه می سازد تا بیدار شوند و ضمنا این خطا از نامه اعمال شان شسته شود".

ابراز ایمان و توحید تنها با جمله لا اله الا الله می توان کرد.  
امام صادق(ع) "خداوند معبود همه چیز است، نسبت به تمام مخلوقاتش رحمان، و نسبت به خصوص مؤمنان رحیم است"  
تمام سوره های قرآن با بسم الله شروع می شود(بجز سوره براءت).

الله کلمه ای است که دلالت دارد بر ذاتی که مستجمع همه صفات کمالیه است.



"بی تردید رحمت از سوی خدا عطا و بخشش و احسان و فضل است، و از جانب آدمیان رقت قلب و نیکی نمودن است".  
رسول خدا(ص) "هر نمازی که فاتحه الکتاب در آن خوانده نشود ناقص و از بلندای پذیرش حق ساقط است."  
امیر مؤمنان علی(ع) "دانش و علم از همه جوانب وجود من سیل وار سرازیر می گردد"

راه های ورود و سوسه های شیطان در باطن انسان سه راه است هوا، غضب، شهوت. هوا نشأ ظهور کفر و بدعت است، غضب سبب پدید آمدن کبر و خودپسندی است، شهوت علت بروز حرص و بخل است.

نام مبارک رحیم را در ایمن شدن از آفات، خصوصاً از خشم حاکمان و اهل کینه و عدوان خاصیتی عجیب است.

همه پیروان مذهب خاندان وحی و رسالت براین باورند که **بسم الله الرحمن الرحيم** یک آیه از سوره مبارکه حمد و هر سوره دیگری است؛ از این رو اگر کسی در نماز خویش آن را نخواند، نمازش باطل است؛ خواه نماز واجب باشد یا مستحب. و نیز در نمازهایی که سوره حمد را باید بلند خواند، بلند خواندن **بسم الله الرحمن الرحيم** نیز لازم است.

پیامبر گرامی(ص) "هنگامی که کودک به دستور آموزگار خود، **بسم الله الرحمن الرحيم** را بر زبان می راند، خداوند برای او و پدر و مادر و آموزگارش، سند بیزاری و رهایی از آتش دوزخ را می نویسد".

امام صادق(ع) " بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سزاوارترین کلامی است که به آوای بلند خوانده شده است پیامبر گرامی(ص) " هر که بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ را بخواند، خداوند متعال برای هر حرف از آن چهار هزار پاداش برایش بنویسد و چهار هزار بدی را از او بزدايد و چهار هزار مقام، برایش بالا ببرد".

برای آیه **بسم الله الرحمن الرحيم** خواص بسیاری در اخبار ذکر شده که به پاره از آنها ذیلا اشاره میشود **طرد شیطان**، گفتن **بسم الله الرحمن الرحيم** در موقع غذا خوردن موجب طرد شیطان میشود.

**دفع مضارّ طعام**، از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود "ضامن شده ام برای کسی که اسم خدا را بر طعام ببرد اینکه مریض و مبتلا نشود".

**دفع دشمن**، از حضرت صادق روایت کرده که فرمود "رسول خدا(ص) هر گاه داخل منزل میشد و قریش علیه او اجتماع کرده بودند **بسم الله الرحمن الرحيم** را آشکارا می گفت و صدای خود را به آن بلند مینمود قریش گریزان رو برمیگردانند". **بسم الله** در نماز موجب طرد شیطان میشود.

از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود "بدرستی که خداوند می فرماید من سزاوارتر کسی هستم که از او سؤال و درخواست شود و شایسته ترین کسی هستم که بسوی او تضرّع و انابت شود پس نزد آغاز هر کار کوچک و بزرگی بگوئید **بسم الله الرحمن الرحيم** ، یعنی طلب یاری میکنم".

در هر گرفتاری موجب وصول به مقصد است، چنانچه از پیغمبر(ص) روایت شده که فرمود "هر که را محزون کند کاری که مشغول به آنست پس بگوید بسم الله الرحمن الرحیم و حال آنکه نسبت بخدا اخلاص داشته باشد و بدل متوجه به او شود، از یکی از دو چیز منفک نشود، یا رسیدن به حاجتش در دنیا و یا اینکه مهیا و ذخیره میشود برای او نزد پروردگارش و آنچه نزد خداست برای مؤمنین بهتر و پایدارتر است."

**موجب حفظ از بلاست،** از حضرت باقر علیه السلام روایت شده که فرمود "اول هر کتابی که از آسمان نازل شد **بسم الله الرحمن الرحیم** بود پس هر گاه **بسم الله** را قرائت کردی باکی نیست از اینکه استعاذه نکنی پس هر گاه **بسم الله** را قرائت کنی مانع میشود ترا از بلیاتی که بین آسمان و در زمین است "

**در موقع دخول در خانه موجب فرار شیطان و نزول برکت میشود،** از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود "هر گاه یکی از شما بدر اطاقش رسید و خدا را نام برد پس بدرستی که شیطان میگریزد و هر گاه داخل خانه اش شود خدا را نام برد تا محل نزول برکت و انس ملائکه شود."

**در ابتدای وضوء موجب طهارت همه بدن میگردد،** چنانچه حضرت رسول(ص) میفرماید "هر که در اول وضویش **بسم الله** گوید همه بدنش طاهر باشد و کسی که **بسم الله** نگوید بدنش طاهر نباشد مگر آن مقداری که آب رسیده است." امام صادق(ع) "کسی که ده مرتبه بگوید یا **الله** باو گفته شود لبیک حاجت تو چیست!"

برای رحمت معانی فراوانی مانند رقت، رافت، لطف، رفق، عطوفت، حب، شفقت و دلسوزی ذکر کرده اند؛ در حالی که اولاً اینها مراحل پیشین رحمت است، نه خود آن؛ زیرا با مشاهده صحنه های رقت آور، ابتدا در قلب انسان رقت، لطف، عطوفت، دلسوزی، محبت، شفقت و رافت و سپس رحمت پدید می آید. ثانیاً آنچه گفته شد، ویژگی مصداقی از مصداقی رحمت است که در آدمی حادث می گردد، اما رحمتی که به ذات اقدس خداوند اسناد داده می شود، منزّه از هر گونه انفعال و تاثر است؛ چنانکه امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید "خداوند رحیمی است که به وقت موصوف نمی شود."

دنیا بنام خدا خوش است و عقبی به عفو او و بهشت به دیدار او، در دنیا گر نه پیغام و نام خدا بودی، بنده را چه جای منزل بودی، و در عقبی اگر نه عفو و کرمش بودی، کار بنده مشکل بودی، در بهشت اگر نه دیدار دل افروز او بودی شادی درویش به چه بودی؟

خدایا بود تو چراغ معرفت بیفروخت پس روشنی دل من افزونی است، گواهی تو ترجمانی من کرد پس نداء من افزونی است، نزدیکی تو چراغ وجد من بیفروخت پس همت من افزونی است. اراده تو کار من بساخت پس جهد من افزونی است، خداوندا، از بود خود چه دیدم؟ مگر بلا و عناد، و از بود تو چه رسیدم؟ همه عطا و وفا!

در حدیث می خوانیم **بسم الله** را فراموش نکن، حتی در نوشتن یک بیت شعر.

اینکه آغاز به نام **الله** و بعد **رحمن** و سپس **رحیم** شده، جهت آن است که سرآغاز همه، آفرینش است و بعد قدرت و پرورش و سپس رحمت و آمرزش، یعنی که به قدرت بیافریدم و به نعمت پروریدم و به رحمت بیامرزیدم! خداوندا نام تو ما را جواز، مهر تو ما را جهاز، شناخت تو ما را امان، و لطف تو ما را عیان. خداوندا، ضعیفان را پناهی، قاصدان را بر راهی و مؤمنان را گواهی، چه عزیز است آن کس را که تو خواهی؟! انجام کارها با نام خدا، مایه جلب رحمت اوست.

امیر مؤمنان علی(ع) "**بسم الله**، مایه برکت کارها و ترک آن موجب نافرجامی است." همچنین آن حضرت به شخصی که جملهی **بسم الله** را می نوشت، فرمود "**جودها آنرا نیکو بنویس**".

بر زبان آوردن **بسم الله** در شروع هر کاری سفارش شده است؛ در خوردن و خوابیدن و نوشتن، سوار شدن بر مرکب و مسافرت و بسیاری کارهای دیگر. حتی اگر حیوانی بدون نام خدا ذبح شود، مصرف گوشت آن حرام است.

امام صادق(ع) "**درهای معصیت را با استعاذه ببندید و درهای اطاعت را با گفتن **بسم الله الرحمن الرحیم** باز نمایید**".

امام خمینی (ره) سوره حمد تمام معارف درش هست؛ منتها آن کسی که نکته سنج باشد، باید درش تامل کند. اگر برای اهلش، همین یک سوره قرآن تحقق پیدا بکند، تمام مشکلات حل می شود؛ برای اینکه وقتی انسان دید که همه چیز از اوست، دیگر از هیچ قدرتی نمی ترسد.

به اسم اینکه قرآن باید خواند، دیگر دعا و حدیث باید کنار برود و قرآن بیاید، دعا و حدیث را اگر استثنا کنیم، قرآن هم رفته است. اگر قرآن را هم می خواهد، قرآن دارد از دعا تعریف می کند که **اعتنا به شما نداشتیم اگر دعا نبود**. آنکه می گوید ما دعا را نمی خواهیم، قرآن را هم نمی خواهد؛ یعنی قرآن را قبول ندارد. **ادْعُونِي اسْتَجِبْ لَكُمْ**؛ مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. بسیاری وقتها انسان عقلاً یک چیزی را ادراک می کند، لکن چون باورش نیامده، تبعیت نمی کند؛ آن وقتی که باورش بیاید، تبعیت می کند.

عمده این است که ما نمی شناسیم، نه خودمان را می شناسیم، نه خدایمان را می شناسیم، نه ایمان به خودمان داریم، نه ایمان به خدا داریم، نه باورمان آمده است که خودمان چیزی نیستیم و نه باورمان آمده است که همه چیز اوست. وقتی این باور در کار نبود، هر چه برهان بر آن اقامه بشود فایده ندارد، باز هم آن انانیت نفسی در کار هست.

اگر انسان باورش بیاید که همه حمدها مال اوست، همین یک کلمه اگر باور آمد، تمام شرکها از قلب انسان می ریزد.

«بسم الله الرحمن الرحيم» ۱۱۴ بار تکرار شده است

«بسم» ۱۱۵ بار تکرار شده است

«الله» ۲۲۶۵ بار تکرار شده است

«الرحمن» ۱۵۷ بار تکرار شده است

«الرحيم» ۱۴۶ بار تکرار شده است

## نکات مهم: برگرفته از احادیث و مطالب تفاسیر

- ۱- هنگامی که کاری را شروع می کنیم، چه بزرگ باشد چه کوچک، «بسم الله الرحمن الرحيم» بگوئیم تا پر برکت شود.
- ۲- در موقع غذا خوردن «بسم الله الرحمن الرحيم» بگوئیم تا موجب طرد شیطان شود و همچنین مریض نشویم.
- ۳- هنگام خروج از خانه «بسم الله الرحمن الرحيم» بگوئیم تا دفع بلا شود.
- ۴- هر گاه داخل خانه شدیم «بسم الله الرحمن الرحيم» بگوئیم تا موجب طرد شیطان و محل نزول برکت و انس ملائکه شود.
- ۵- هنگام گرفتاری «بسم الله الرحمن الرحيم» بگوئیم تا گرفتاری رفع گردد.
- ۶- در هنگام نیاز به حاجتی در دنیا «بسم الله الرحمن الرحيم» بگوئیم.
- ۷- در هنگام وضو «بسم الله الرحمن الرحيم» بگوئیم تا همه بدن ما پاک شود.
- ۸- در هنگام نیازمندی ده مرتبه یا الله بگوئیم تا نیازمان برآورده شود.